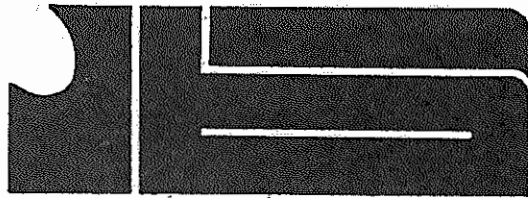


مرحله جدید جنگ قدرت در روسیه

در صفحه ۷



ارکان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

چهارشنبه ۲۳ دی ۱۳۷۱ - ۱۳ ژانویه ۱۹۹۳ - دوره سوم شماره ۵۱

KAR, No. 51 Wednesday 13 Jan 1993

آیا آمریکا در بوسنی مداخله خواهد کرد؟

در صفحه ۸

خطر کتمان

جنایت رژیم در برلین توسط دولت آلمان

- دولت آلمان در صداست تا مانع از افشای نقش جمهوری اسلامی در ترور برلین شود.
- اپوزیسیون ایرانی باید دست بدست هم دهد و هر چه سریع تر مانع اجرای توطئه مشترک دولت آلمان و جمهوری اسلامی شود.

مقاله اشترن یک نگرانی بزرگ ما را که از هنگام وقوع جنایت برلین آلمان می‌داد، تایید می‌کند: مقامات آلمانی با تکرار این ادعا که "معلوم نیست چه کسانی ترور را کارگردانی کرده‌اند" می‌خواهند پای جمهوری اسلامی را از ماجرا بیرون بکشند. احتمالاً قضیه به اینجا ختم خواهد شد که افراد دستگیر شده، بویژه عاملان لبنانی ترور به زندان محکوم شوند و دخالت حکومت تهران که بر اساس تحقیقات پلیس آلمان مسجل است، مکتوم بماند.

در اینجا تصادین را نداریم که از این رسوایی، برای افشای ماهیت سیستم سیاسی و قضایی قرب استفاده کنیم. هر کس، اقدام در صفحه ۲

اشترن :

آیا بن و تهران معامله کرده‌اند؟

از دو گانگستر، که پهلپور خود را روی نیمه پایینی صورتش کشیده بود، به فارسی نهره زد: "مادر تخبه‌ها!" او سپس ساک ورزشی اش را بالا آورد و با مسلسلی که در آن پنجان کرده بود، چند رگبار شلیک کرد. سه مرد بر اثر اصابت گلوله کشته شدند و زمین افتادند. چهارمی که روی زمین در خون خود فوطه‌وز بود، توسط قاتل دوم با یک شلیک از نزدیک، اعدام شد. صاحب رستوران با جراحات سخت از ترور جنجال برانگیز رهبران حزب دمکرات کردستان ایران (ح.د.ک.ا.) در ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲ در رستوران میکونوس برلین، مراسم پایانی کنگره انترناسیونال سوسیالیستی را که حکومت ایران نشسته بودند، یکی

هفته‌نامه آلمانی اشترن در نخستین شماره سال ۱۹۹۳ خود مقاله‌ای تحت عنوان "وقتی کارآگاهان بیش از حد موفق باشند" چاپ کرده است. اشترن در این مقاله می‌نویسد "قتل چهار سیاستمدار کرد در برلین به طور آشکار توسط سرویس مخفی ایران صورت گرفته است، اما در بن به همل سیاسی و اقتصادی پیرامون نتیجه تحقیقات کارآگاهان کاملاً سکوت کرده‌اند." ترجمه مقاله اشترن در این شماره کار به چاپ می‌رسد.

دو قاتل، زیاد تامل نکردند. آنها وقتی در ساعت ۲۲ و ۵۴ دقیقه وارد رستوران شدند، مستقیماً به سمت میز رفتند که دور آن هشت نفر از مخالفان حکومت ایران نشسته بودند، یکی

بررسی بودجه سال ۷۲ در مجلس

- درآمدهای بودجه همچنان برارز حاصل از فروش نفت متکی است
- به جهت پیش فروش نفت برای پرداخت بدهی‌ها، درآمدهای پیش‌بینی شده در بودجه تامین نخواهد شد.

بودجه سال ۱۳۷۲ کل کشور که آخرین بودجه برنامه اول توسعه جمهوری اسلامی است، توسط رفسنجانی به مجلس شورا تقدیم شد و بررسی آن در دستور کار مجلس قرار گرفت. رفسنجانی هنگام تقدیم بودجه، گزارش مشروعی از شرایط گذشته و حال اقتصاد کشور و ویژگیهای بودجه ارائه کرد. او در این گزارش در زمینه تولید ملی، صنایع، کشاورزی، سرمایه‌گذاری، وضعیت مالی و بودجه دولت، سیستم بانکی و سیاست‌های پولی و اعتباری و صادرات و واردات ارقام و آماری را ردیف کرد که همگی بر پیشرفت قابل توجه اقتصادی در طی سه سال دلالته میگرد. رفسنجانی در این گزارش آنچنان از موفقیت‌ها سخن گفت که گویا او کابینه‌اش در این مدت موفق شده‌اند که اقتصاد کشور را

تشدید منازعه در مورد سیاست‌های آموزشی

سیاست‌های آموزش عالی منازعه‌های تازه در سطح ارگان‌های حکومتی برانگیخته است. خصوصی کردن یا نکردن دانشگاه‌ها، اقدام وزارت آموزش عالی در دریافت شهریه را تکذیب کرد. اما علیرغم این تکذیب، "ایجاد زمینه مناسب قانونی جهت ایجاد دانشگاه توسط شخصیت‌های حقیقی و حقوقی خیر و تدارک مجوزهای قانونی برای اداره دانشگاه بر اساس ترتیبات مدیریتی تعیین شده توسط سرمایه‌گذار، "استقلال مالی دانشگاه‌ها" و "تنبیحات مالی" برای دانشجویان جزو خط مشی‌های پیشنهادی این سازمان در آموزش عالی کشور اعلام شده است.

سهم بسیار اندک نظام آموزش ادامه در صفحه ۲

درباره جابجایی صفحات کار شماره ۵۰

متأسفانه به دلیل پاره‌ای مشکلات فنی، صفحات اول و آخر شماره پیشین کار جابجا چاپ شده بود. ما هنگامی از این اشتباه اطلاع حاصل کردیم که اقدام به چاپ مجدد این صفحات با توجه به در پیش بودن تعطیلات سال نو میلادی در کشورهای اروپایی منجر به وقفه‌ای طولانی در چاپ و ارسال نشریه می‌شد. بدین سبب ما علیرغم علم به این اشتباه به توزیع نشریه پرداختیم. تلاش ما این خواهد بود که از بوجود آمدن چنین مواردی اجتناب شود.

موضع تحریک آمیز سران شورای همکاری خلیج فارس

مناقشه میان جمهوری اسلامی و امارات عربی متحده بر سر جزیره ابوموسی با واکنش سران کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس وارد مرحله جدیدی گردید. اجلاس شش کشور عرب حوزه خلیج فارس در ابوظبی در بیانیه پایانی خود از ادعاهای ارضی امارات عربی متحده نسبت به جزایر تنب و ابوموسی حمایت کرده و از ایران می‌خواهد به "اقدامات خود در ابوموسی" و ادامه "اشغال جزایر تنب بزرگ و کوچک" پایان دهد. این کشورها هادی سازی مناسبات با ایران را به حل و فصل مناقشه ارضی میان ایران و امارات مشروط کردند.

این موضع سران شش کشور عرب حاشیه خلیج فارس که تاکنون در این سطح بی‌سابقه بوده، واکنش شدید مقامات و نهادهای دولتی جمهوری اسلامی را برانگیخت و هاشمی رفسنجانی با "فقط و خطرناک" خواندن حرکت سران کشورهای خلیج فارس، اعلام کرد "این کشورها برای رسیدن به این جزایر باید از دریای خون بگذرند."

مواضع متخذه در بیانیه شش کشور عربی آشکارا حکایت از آن دارد که رفتار اعراب فراتر از واکنش در برابر "اقدامات جمهوری اسلامی در جزیره ابوموسی" است و پیش از آنکه به تحریکات او آخر تابستان دولت جمهوری اسلامی مربوط باشد، بخشی از مجموعه فشارهای بین‌المللی ماههای اخیر علیه حکومت جمهوری اسلامی است. البته موضع حاکمیت سه جزیره مورد اشاره از هنگام اعلام موجودیت امارات عربی متحده و استقرار ایران در جزایر توق میان دو کشور حل نشده باقی مانده است، اما پذیرفتنی نیست که تجدید دعوا پس از ۲۱ سال سکوت و تبدیل آن به یک بحران حاد و اصرار کشاندن ماجرا به مجامع بین‌المللی از جانب امارات در همراهی آشکار با دیگر کشورهای عرب منطقه، تنها به آن اقدامات و تحریکات جمهوری اسلامی در ابوموسی مربوط باشد که ظاهراً مسبب بروز بحران بود. بنابراین بنظر می‌رسد مناقشه بر سر جزایر حداقل در حال حاضر و بویژه موضع تحریک آمیز کنونی اعراب حاشیه خلیج فارس، جز ایراد فشار به جمهوری اسلامی در همراهی و همگامی با فشارهای بین‌المللی چیز دیگری نیست.

در اتخاذ چنین موضعی از سوی سران کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس پاره‌ای از رژیم‌های منطقه بویژه رژیم مصر بی‌تأثیر نبوده‌اند. مصر در یکی دو سال اخیر در تلاش برای حضور و گسترش نفوذ خود در حوزه خلیج فارس از طریق حضور در سیستم امنیتی خلیج فارس، که در همین حال تقلائی برای کسب رهبری در جهان عرب است، در کشمکش حاد با جمهوری اسلامی قرار دارد. از این رو در تحریکات و فشارهای منطقه‌ای علیه ایران رژیم مصر نقش قابل ملاحظه‌ای دارد. ماه گذشته مصر کوشید با آشتی دادن قطر و عربستان سعودی که بخاطر دعوی ارضی در ماههای اخیر با یکدیگر در نزاع بودند، زمینه‌های برگزاری اجلاس شورای همکاری با شرکت همه اعضای آن را فراهم کند و آنها را به اتخاذ مواضع تحریک آمیز علیه ایران ترغیب نماید.

ما در شماره‌های پیشین کار درباره همل و زمینه‌های این فشارهای منطقه‌ای و بین‌المللی علیه ایران سخن گفته‌ایم. دستاویز همده این فشارها و تحریکات علیه ایران همکدر جمهوری اسلامی ادامه در صفحه ۳

ممنوعیت صدور کالاهای ژاپنی به ایران

بر اساس تصمیم دولت ژاپن و به منظور اجرای توافق‌های انجام شده در اجلاس هفت کشور بزرگ صنعتی، صدور ۱۰۰ قلم کالای صنعتی این کشور به ایران ممنوع اعلام شد. از جمله این کالاهای مواد اورانیوم، کامپیوتر و ماشین ابزار هم می‌باشند. همچنین از سوی مقامات ژاپن اعلام شد که این ممنوعیت شامل کالاهایی نیز خواهد شد که جهت اهداف غیر نظامی صادر می‌شوند، هرگاه احتمال استفاده از این کالاهای برای اهداف نظامی در میان باشد. این ممنوعیت که از روز ۳۱ دی ماه برابر با ۲۰ ژانویه به

به انگیزه هفتادمین سالگرد سرایش "افسانه"

"افسانه" نیما، نیما "افسانه" در صفحه ۵

ضمیمه

ارکان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

متن پیش نویس گزارش
نمایند و بویژه کمیسیون حقوق بشر
سازمان ملل متحد
درباره
نقض حقوق بشر در ایران

پیرامون "برائت" گردون یادداشت

تبرئه مجله گردون از اتهامات حزب الله، ابتدا توسط هیئت منصفه مطبوعات و سپس دادگاه، همان گونه که پیش بینی می شد موجی از اعتراض و فشار را علیه این تصمیم برانگیخت. روزنامه کیهان چون همیشه سردمدار این اعتراض بود و تا آنجا که در قدرت داشت علیه رای دادگاه جنجال ایجاد کرد. کیهان که به زبان حزب الله در مقابله با هرگونه دگراندیشی بدل شده است برای تحریک بیشتر دست به دامان خبرنگاران خود در "بوسنی مظلوم" شد و از آنجا زبان به اعتراض گشود و خود "جرایم" تازه ای بر جرایم این نشریه افزود. از جمله این جرایم "تجلیل از نویسنده ملحد و ضدانقلاب فلامحسین ساعدی"، "تجلیل از احمد شاملو"، "درج سفرنامه سیمین بهائی"، "ترویج و ستایش از کانون نویسندگان"، "چاپ تصویر بی حجاب یک خانم نویسنده ایرانی"، "تجلیل از شاهنامه گردید... بود."

این جنجال آفرینی و فشار به روزنامه کیهان محدود نماند. رضانقوی رئیس کمیسیون فرهنگ و ارشاد اسلامی مجلس شورای اسلامی و یونس دادستان عمومی تهران نیز به جرگه معترضین پیوستند. حزب الله فشار خود را از حد اعتراض فراتر برد و خواهان طرح مجدد پرونده در دادگاه گردید. این خواست به طور مکرر از جانب روزنامه کیهان و هم چنین رئیس کمیسیون فرهنگ مجلس طرح گردید. یونس دادستان عمومی تهران در گفتگو با خبرنگار روزنامه جمهوری اسلامی اعلام کرد به دایره اجرای احکام دادرسی تهران دستور داده است پرونده را جهت بررسی مجدد به دادگاه هویت دهد. این فشارها موجب شد که صدر و آنتی یکی از اعضای ۸ نفره هیئت منصفه طی نامه ای به روزنامه ها با حکم هیئت منصفه به مخالفت هلنی برخیزد.

در مقابل این فشار اکثریت هیئت منصفه مطبوعات و برخی از جراید به دفاع از حکم دادگاه پرداختند. روزنامه سلام متن کامل کثیرخواست و دفاعیات را به چاپ رساند و نوشت اگر این کثیرخواست به زبان های خارجی ترجمه شود آبروی انقلاب اسلامی را خواهد برد. این روزنامه نوشت: "مشکل اصلی اینجاست که هر از چندی موضعی را مطرح می کنند و موضوع روز می ساید و عده ای را هم در این بین لگدمال میکنند و حقوقی را ضایع می سازند ولی سرانجام مرجعی که باید حرف آخر را بزند خط بطلان بر همه آن جنجالها میکشد و باز هم روزانوار روزی از نو..." شدت اعتراض، به ویژه از سوی مقامات در دستگاه قضایی کشور، موجب شد که یزدی رئیس

تشدید منازعه ...
ادامه از صفحه ۱
عالی از بودجه دولتی، از جمله محورهای مورد اعتراض وزارت آموزش عالی است. سازمان برنامه و بودجه در پاسخ به این اعتراض مدعی شده است که هزینه های مربوط به آموزش عالی همواره از توجه ویژه ای برخوردار بوده و طی سه سال ۳/۸ برابر شده و در بودجه سال ۷۲ نیز به ۶/۷ میلیارد ریال افزایش یافته است. اما این

خطر کتمان جنایت رژیم در برلین توسط دولت آلمان

ادامه از صفحه ۱

درباره دیکراسی به سبک کشورهای غربی نظری دارد و همچنین در مورد نقش و ابعاد نفوذ کمپانیهای مانند مرسدس بنز در سیاست این کشورها، اینکه هر جا پای منافع سرمایه بزرگ به میان آید، حقوق و شرافت انسانی برای دولت های غربی پیشیزی ارزش ندارد، مقوله ای است که در نوشته های دیگر به آن پرداخته ایم و می پردازیم. قصد ما از این نوشته چیز دیگری است: واقعیت این است که جمهوری اسلامی در سازمان دادن ترور برلین آنچنان گستاخانه و وحشیانه عمل کرد که برای مقامات پلیس آلمان راهی جز پیگیری سرخنجایی که بدست آمده بود، نماند. چهار میهمان رسمی یک کنگره بین المللی را در برلین، پایتخت آلمان واحد، به وحشیانه ترین طریق ترور می کنند و آسوده به لانه های خود برمی گردند. در برلینی که می خواهد قلب اروپا باشد، المپیک سال ۲ هزار را برگزار کند و سبیل "احیای عظمت دیرین" است. پلیس ماجرا را پیگیری کرد، اما از همان بدو امر آنچه ماموران تحقیق در گفتگوهای غیررسمی اظهار می داشتند با سخنان رسمی در مطبوعات، تفاوت داشت: در حالیکه در اظهارات غیر رسمی، شواهد حاکی از دخالت جمهوری اسلامی مطرح می شد، در اظهارات رسمی سخنگویان، چنین وانمود می گردید که معلوم نیست ترور به

دستور چه کسانی صورت گرفته است. برخی مقامات آلمانی حتی به طور ناچوانه رانه نام حزب کارگران کردستان ترکیه را مطرح کردند که مورد تکذیب فوری این حزب قرار گرفت. اما در کنار اظهارات گمراه کننده، تحقیقات پلیس ادامه یافت و به دستگیری تعدادی از اعضای شبکه ترور جمهوری اسلامی در آلمان انجامید. اشترن فاش می کند که سرخها به دو دیپلمات ایرانی هم رسیده است. اکنون هلیرفم نتایج روشن تحقیقات، خطر کتمان دخالت تهران در جنایت برلین بسیار زیاد است. این در حالی است که روندی که تاکنون در رابطه با جنایت برلین طی شده است، فرصتی استثنایی برای حکومت جمهوری اسلامی ایجاد می کند، فرصتی برای آنکه همراه با عاملان قتل، حکومت تهران هم محاکمه شود و این رسوایی، دولت های غربی را وادار برای پیش گیری از وقایعی مانند حادثه قتل دکتر کاظم رجوی، دکتر قاسملو، دکتر بختیار و دکتر شرفکنندی، دست به اقدامات موثری بزنند. نباید گذاشت فرصت کنونی از دست برود. ما تاکنون چندین بار اپوزیسیون را دعوت به همگامی علیه ترور کرده ایم. این دعوت اکنون ضرورت مبرم و فوری یافته است. ما پیشنهاد می کنیم: اولاً - کمیته های موجود علیه ترور فوراً فعال تر شوند و

چند خبر دیگر در مورد ترور برلین
آخرین خبرهای رسیده حاکی از آنست که مسئله ترور شرفکنندی و یاران او در رسانه های غربی و آلمان و در بین مقامات این دولت به مسئله دخی تبدیل شده است. علاوه بر جمله "اشترن" در روزنامه های "تاگس اشپگل" و "برلینر تسایتونگ" گزارش هایی در این زمینه چاپ شده است که در آنجا به دخالت جمهوری اسلامی در این قتل و دست داشتن کاردار ایران در آلمان پرداخته شده است.
در روز ششم ژانویه از شبکه محلی تلویزیون برلین گزارشی در مورد ادامه تحقیقات راجع به عوامل ترور پخش شد. در برنامه از زبان مقامات پلیس و دادستانی گفته شد که به قاتلان پول داده شده بود. در این گزارش مصاحبه با یکی از اعضای کمیته اپوزیسیون ایران علیه ترور در برلین و ۳ تن از شاهدان هیئتی ترور نیز پخش

باز، "ابوکو - مایگرس اولم" نیز به گفته "برودیک" کمی بیشتر صادر کرده است. "انضامی عملیات جنایتکارانه سرویس مخفی ایران در خاک آلمان به مناسبات میان دو دولت لطمه می زد و احتمالاً معامله پر سود کامیون هارافیر ممکن می کرد. مقامات آلمانی با سرسختی تکذیب می کنند که به هلن سیاسی، نتایج تحقیقات اداره آگاهی کتمان شده است. هانس - یورگن فورستره سخنگوی دادستان کل آلمان در کارلسروهه این امر را "بی اساس" می داند، اما اذعان دارد که "قاتلان، ترور را به سفارش سازمانی انجام داده اند که علیه ح. د. ک. ا. مبارزه می کند." وی می گوید "اینکه چه کسانی دستور دهندگان اصلی اند، کاملاً روشن نیست." یک سخنگوی وزارت دادگستری به اشترن گفت: "محاکمه "میکونوس" مانند هر محاکمه دیگری اکیداً طبق مقررات قانونی انجام خواهد شد."
تکذیب ها، کارآگاهان "میکونوس" در دایره مربوطه امنیت دولتی اداره آگاهی در مکنه ایم در نزدیکی بن، با دلخوری نسبت به تلاش های پرده پوشانه و اکشن نشان داده اند. یک مامور اداره آگاهی در ماه نوامبر گفت: "می کوشند در کار مداخلت کنند."
برای اینکه همه ارگان ها و ادارات دخیل در ماجرا از یک مشی واحد پیروی کنند، برند اشمیدباوئر، رئیس دفتر ۵۳ ساله صدر اعظم، یک جلسه آکیداسری فراخواند. در این جلسه که هشتم دسامبر تشکیل شد، پیرامون یک راه حل ملایم توافق حاصل شد. نتیجه این شد که در گفتگو با سفیر ایران در بن، ترتیب خروج بی سرو صدای دیپلمات هایی که در ترور شرکت داشته اند، داده

آیا بن و تهران معامله کرده اند؟

اشترن:

ادامه از صفحه ۱

هدست دیگرشان نیز دست باید. طبق یک گزارش وضعیت داخلی اداره آگاهی که به دست اشترن رسیده است، عباس رایل لبنانی ۲۵ محاله ای که اکنون در بازداشت به سر می برد، همراه با یک ایرانی متواری بنام شریف، معروف به ابورهمان دست به این قتل زدند. یک تیم اداره آگاهی همراه با رایل، یک فرد لبنانی دیگر بنام یوسف امین، ۲۵ ساله را نیز که در جلوی رستوران کشیک داده بود، دستگیر کرد. کارآگاهان هنگام بازداشت این دو لبنانی را ضبط کردند.
یک ایرانی ۳۳ ساله بنام کاظم دارابی نیز که امین از او به عنوان رئیس عملیات نام برده است، در بازداشت به سر می برد. کمیسیون کارآگاهان "میکونوس" به این نتیجه رسیده اند که دارابی تا هنگام دستگیری اش سرکرده شعبه برلین گروه اسلامی افراطی



از راست به چپ: دکتر شرفکنندی، نوری دهکردی، فتاح هبدلی

در کار مداخلت کنند."
برای اینکه همه ارگان ها و ادارات دخیل در ماجرا از یک مشی واحد پیروی کنند، برند اشمیدباوئر، رئیس دفتر ۵۳ ساله صدر اعظم، یک جلسه آکیداسری فراخواند. در این جلسه که هشتم دسامبر تشکیل شد، پیرامون یک راه حل ملایم توافق حاصل شد. نتیجه این شد که در گفتگو با سفیر ایران در بن، ترتیب خروج بی سرو صدای دیپلمات هایی که در ترور شرکت داشته اند، داده

ادامه از صفحه ۱

بررسی بودجه سال ۷۲ در مجلس

تقاضا محاسبه خواهد شد، برآورد شده است؛ و سوم اینکه کوشش شده است که برخی از اقلام هزینه‌های دولت که در گذشته با استفاده از روش‌های مختلف خارج از بودجه تامین مالی می‌شدند، در چارچوب بودجه عمومی منعکس شود.

بودجه کل کشور در سال ۷۲ معادل ۵۴۱۷۹/۷ میلیارد ریال است که در مقایسه با بودجه مصوب سال قبل از رشد ۸۷/۴ درصدی برخوردار است. مبلغ ۲۵۴۲۵/۸ میلیارد ریال آن به بودجه عمومی دولت اختصاص دارد که نسبت به سال ۷۱، به میزان ۱۰۴ درصد افزایش یافته است.

درآمدهای لایحه بودجه معادل ۲۳۵۳۸/۵ میلیارد ریال برآورد شده است. ۲۳ درصد این رقم را درآمدهای مالیاتی، ۶۷/۲ درصد درآمدهای غیر مالیاتی و ۹/۸ درصد را سایر درآمدها تشکیل می‌دهند. هزینه‌های جاری معادل ۱۳۹۰۳/۴ میلیارد ریال برآورد شده است که نسبت به رقم مشابه سال قبل حدود ۸۵/۳ درصد افزایش نشان می‌دهد. برای اعتبارات عمرانی در سال ۷۲ معادل ۹۸۰۹/۶ میلیارد ریال

در نظر گرفته شده است که نسبت به سال قبل از افزایش معادل ۱۴۸ درصد برخوردار است. نسبت هزینه‌های عمرانی به کل اعتبارات بودجه عمومی دولت ۴۱ درصد است. بگفته رفسنجانی سهم هزینه‌های عمرانی نسبت به کل هزینه‌ها، بالاترین سطح در طی ۲۷ سال گذشته است.


از متن بودجه و از اخبار مندرج در مملوهای مشخص است که بر سر بودجه کشمکش جدی در بین جناح‌های حکومتی جریان داشته است. این امر موجب شد که بودجه ۴۸ ساعت دیرتر به مجلس ارائه شود. بر سر بودجه ارزی و یکسان کردن نرخ ارز، میزان ارقام اختصاصی به بخش‌های مختلف و سمت‌گیری‌های اقتصادی در بین جناح‌های رژیم اسلامی و بین دولت و مجلس اختلاف وجود دارد. مجلس شورا بشرطی با یکسان کردن نرخ ارز موافقت نمود که مقدار پنج میلیارد دلار با نرخ رسمی صرف خرید و تامین تسلیحات، کالاهای اساسی و دارو اختصاص یابد. و بقیه تعهدات ارزی با نرخ شناور در اختیار وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی قرار گیرد.

موضع تحریک آمیز...

ادامه از صفحه ۱

در سیاست خارجی و رفتار مقایره‌ای و مقررات بین‌المللی است. نقشه‌های توطئه‌گرانه و تحریکات مفرطانه منطقه‌ای و بین‌المللی علیه کشور ما در پرده دودی که سیاست‌های نابخردانه جمهوری اسلامی ایجاد کرده، استوار می‌شود. تا جائیکه اکنون یکبار چنگی کشور نیز در معرض این تحریکات و توطئه‌های آفرینی‌هاست. این خطر با توجه به حساسیت بیش از پیش منطقه ما و فعل و انفعالات اخیر در شاخه‌های جنوب عراق کاملاً هشدار دهنده است، بگونه‌ای که حتی نمی‌توان خطر بروز جنگی تازه در خلیج فارس را بعید و غیر محتمل دانست.

ما مقامات جمهوری اسلامی را فراموش نمی‌کنیم که از افزودن به تشنج دوری جویند و با تغییر جدی در رفتار بین‌المللی خود زمینه‌های سوءاستفاده را از بین ببرند. باید راه سالم‌سازی روابط و مذاکره و گفتگو با کشورهای منطقه منجمله با امارات را بر سر ماجرای ابوموسی هدف قرار داد؛ هیچکس حق ندارد با سر نوشت کشور و مردم ایران بازی کند.



بیست و دومین سالگرد جنبش فدائیان را هرچه باشکوهرتر برگزار کنیم!

جشن سالگرد باشکوه هنرمندان:

عارف و عاشر پور

زمان: شنبه ۶ مارس ۱۹۹۳ ساعت ۶ بعد از ظهر

محل: آلمان - بن

BRÜCKENKOPF-FORUM BONN-BEUEL
Zentrum Kennedybrücke
Friedrich-Breuer-Strasse 17
5300 Bonn 3 · Tel. 02 28/46 03 79

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

در همین حال در بودجه سال ۷۲، تهاجم وسیع واپس‌گرایان در عرصه فرهنگی تأثیرات خود را گذاشته است. مدتی قبل خامنه‌ای از دولت خواست که در برنامه دوم توسعه، مسائل فرهنگی در راس امور قرار گیرد. رفسنجانی تحت فشار این نیروی ویژه‌ای برای مسائل فرهنگی در بودجه سال آینده قائل شده است. رفسنجانی در گزارش خود اظهار داشت که "در بودجه سال دیگر حمایت از هنرمندان و نویسندگان و کمک به تولید کنندگان محصولات فرهنگی سالم و مغید و زمینه سازی برای تشویق و ترفیق نیروهای مردمی و بخش غیر دولتی برای فعالیت‌های فرهنگی" مورد توجه خاص قرار گرفته است. بگفته او اعتبارات بخش فرهنگ و هنر نسبت به سال جاری از رشد قابل ملاحظه برخوردار شده است.

رفسنجانی در گزارش خود توضیح نداد که چگونه درآمدهای پیش‌بینی شده در بودجه را تامین خواهد کرد. بخش اعظم درآمدها (۶۷/۲ درصد) هم چنان از فروش نفت بوده و بودجه سال آینده باز تعدادی در آمد نفت متکی است. دولت رفسنجانی بخاطر کمبود ذخایر ارزی مجبور شده است که بخشی از نفت استخراجی سال آینده را پیش فروش کند و وام‌های خود را پرداخت نماید. لذا قسمتی از درآمد نفت که در بودجه سال آینده منظور شده است، واقعی نیست. بعلاوه

وام‌های کوتاه مدتی که سرسیدشان رسیده و پرداخت نشده اند به مبلغ ۵ میلیارد دلار بالغ شده است که می‌بایستی در سال آتی پرداخت شوند. علت این امر آنست که در دوسال گذشته واردات ایران بشدت بالا رفته ولی از درآمدهای ارزی کاسته شده است. رقم بدهی‌های جمهوری اسلامی مرتباً بالا می‌رود. بنوشته کیهان هوایی میزان بدهی‌های خارجی ایران در عرض سه سال یعنی از سال ۱۹۸۹ تاکنون از حدود ۴/۵ میلیارد دلار به بیش از ۱۵ میلیارد دلار یعنی بیش از سه برابر رسیده است. برخی مطبوعات این رقم را ۳۴ میلیارد دلار نوشته‌اند. لذا رقم منظور شده در درآمدها از محل فروش نفت، تحقق نخواهد یافت.

رفسنجانی اولین ویژگی بودجه سال آتی را در یکسان بودن درآمدها و هزینه‌ها قلمداد کرده و آن را یکی از موفقیت‌های بزرگ دولت بحساب آورده است، با آنچه که در مورد درآمدهای نفتی گفته شده است، در عمل و نه در کاغذ، بودجه سال ۷۲ با کسری قابل توجهی مواجه خواهد شد و دولت رفسنجانی مجبور خواهد گردید که همانند سالهای قبل برای تامین کسری بودجه بر استقراض از سیستم بانکی توسل جوید. بعلاوه در واقعیت همواره میزان هزینه‌ها بویژه هزینه‌های جاری از رقم پیش‌بینی شده بیشتر خواهد شد و این امر به بالا رفتن کسری بودجه خواهد انجامید.


پاسخ به نامه

چهار سازمان ایرانی در نروژ از سوی رئیس مجلس آلمان

مخالف رژیم در ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲ در برلین، روز ۱۳ اکتبر در جلسه مجلس مورد بحث قرار گرفت.

نمایندگان مجلس آلمان پیوسته خواستار رعایت حقوق بشر شده و این کار را بعد از این نیز دنبال خواهند کرد. آنها بویژه در کمیسیون ویژه حقوق بشر و کمک‌های انسانی مجلس که نامه‌ها برای آن هم ارسال شده نیز مسئله رعایت حقوق بشر را پیگیری خواهند نمود.

با بهترین آرزوها و سلام‌های دوستانه از طرف ریتازیس موت رانته مانکه



بیست و دومین سالگرد جنبش فدائیان را هرچه باشکوهرتر برگزار کنیم!

زمان: شنبه ۲۲ تیر ۱۹۹۳ ساعت ۵ بعد از ظهر

مکان: سوئد - استکهلم

TENSTA TRÄFF

فدائیان خلق ایران (اکثریت) سوئد

در حاشیه رویدادها

"عراق نیز آزموده شود!"

نشرهای دنیای غرب و در راس همه آمریکا علیه جمهوری اسلامی در ماه‌های اخیر، با تغییرات محسوس در رفتار کشورهای عرب منطقه و جمله آرائی آشکار آنان علیه ایران همزمان است. حمایت آشکارش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس از ادعاهای ارضی امارات نسبت به جزایر ایرانی ابوموسی و تنب بزرگ و کوچک مورد بارز این جبهه آرائی است. در کنار این، منطقه ما هم چنین شاهد فعل و انفعالات و تحرکات جدی در شاخه آفریقا و آبهای خلیج فارس و جنوب عراق نیز بود. روزنامه سلام با عنایت به این مسائل احتمال می‌دهد که در روزهای پایانی ریاست جمهوری بوش "مساله نیمه تمام عراق در دستور کار دولت بوش باشد" و می‌نویسد: "دور از ذهن نخواهد بود که مسئله ایران نیز که بعنوان یک خصم دیرینه آمریکا همچنان مطرح است به نوبی کانیدیای یک توطئه دیگر قرار گرفته باشد."

این روزنامه تغییر رویه آشکار اعراب از جمله بیانیه اجلاس سران کشورهای شورای همکاری خلیج فارس که هم علیه ایران و هم علیه عراق بود را در ارتباط با همین مقاصد آمریکا علیه ایران و عراق بیان می‌کند.

"تهاجم فرهنگی به بخش در مانی!"

بخش در مانی و بیمارستان هاو در مانگاه‌های کشور جبهه تازه مبارزه حکومت اسلامی با "تهاجم فرهنگی" شده است. گویا اکنون نوبت پاکسازی این بخشها از "مهاجمی" رسیده است که بعنوان "دانشجو" در بیمارستان هاو در مانگاه‌ها به جان زنان مسلمان افتاده‌اند و قصد "نظربازی" آنهم در اطلاق حمل دارند!

آقای باقر لاریجانی معاون فرهنگی و حقوقی وزارت بهداشت و درمان، تماس میان زن و مرد نامحرم در بخشهای درمانی کشور را "از جنبه‌های بارز تهاجم فرهنگی" اعلام کرده و می‌گوید: "ما باید این تماس را به حداقل برسانیم و این، از اصول جدی ماست. هیچ فکر روشن ماباندای هم نباید ما را از این مهم فافل کند." آقای معاون بر جدا سازی

زنان و مردان در مراکز درمانی تاکید دارد و برای اجرای آن ظاهراً طرحی را نیز پیشنهاد کرده است. از جمله طرح‌های ایشان ایجاد "بیمارستانها و مراکز ویژه درمانی بانوان" است که گویا وزارتخانه ایشان در تلاش برای انداختن آنهاست. به گفته معاون فرهنگی وزارت بهداشت "اطلاعاتی حمل و بخش‌های مختلف بیمارستان‌ها باید مطابق احکام الهی باشد نه جایی برای آنجائیکه جسم‌شان را عرضه کنند."

با چهارتا و نصفی پزشکی و متخصص که کشور در اختیار دارد لابد باید از این پس در انتظار خبرهایی از این دست باشیم که بخاطر نبود پزشکی یا متخصص زن، فلان بیمار زن فوت کرده است.

پیرامون مواضع "سازمان بابک خرم‌دین" و تصحیح و پوزش‌ها

سازمان "در حاشیه رویدادها" شماره پیش‌نشریه کار حاوی مطالبی بود پیرامون "سازمان بابک خرم‌دین" که در آن به‌طور غیر مستقیم این سازمان جزو چریک‌ها و سلطنت‌طلب معرفی شده بود. سخنگوی برون مرزی سازمان مزبور با ارسال نامه‌ای به نشریه‌کار نسبت به این اظهار نظر اعتراض کرده و در نامه خود، هم علیه نظام ولایت فقیه و هم علیه نظام سلطنتی که آن را "نوعی دیگر از واپس‌گرایی" توضیح داده است، موضع گرفته است. ما ضمن پوزش از "سازمان بابک خرم‌دین" به خاطر خطای صورت گرفته، همین نامه ارسالی سخنگوی برون مرزی آن به نشریه‌کار را اصلاح می‌کنیم.

نشریه وزین کار ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق (اکثریت) پس از درود فراوان در صفحه سه شماره ۵ آن نشریه مطالبی زیر عنوان "داستان بابک خرم‌دین" درج شده بود که بدین وسیله تکذیب می‌گردد. لازم است یادآور شویم هدف اصلی انقلاب شکوهمند مردم ایران برای رسیدن به آزادی و دادگری نیازمند برکناری نظام سلطنتی بود. سازمان بابک خرم‌دین که در راستای مبارزات ملت ایران به پیش می‌رود و با نظام

واپس‌گرایی ولایت فقیه می‌رزمند نمی‌تواند با نظام سلطنتی که خود نوعی دیگر از واپس‌گرایی است سرآشتی داشته باشد تا چه رسد که "در صدد جلب توجه طیف سلطنت‌طلبان برآید". این اتهام دلیلی نمی‌تواند داشته باشد جز اینکه گروه‌های چپ‌هنوز اسیر در تار و پودی از پندارهای باطلی هستند که در اطراف خود تنیده‌اند و سخت باور کنند جز سازمان‌های چپ و راست باشند نیرومایی که در راستای هدف‌های ملی انجام گرفته از تاریخ و فرهنگ و سنن ایرانی بیاخواسته و پرچم مبارزه را بدست گرفته باشند. ما به سازمان‌های چپ بویژه سازمان فدائیان خلق (اکثریت) توصیه می‌کنیم یکبار دیگر از دیدگاه یک ایرانی تاریخ ایران زمین را از سر فرصت و با علاقه مورد مطالعه قرار دهند آنوقت در خوانند پایت فرهنگ ایرانی بالاتر از هر ایسم وایدئولوژی وارداتی است. فرهنگ ایرانی خواهان ساختار نظامی است که بر پایه‌های دادگری، برابری، آزادی‌خواهی و آزاداندیشی استوار گردد. پادرومجدد سخنگوی برون مرزی بابک خرم‌دین باامداد

دیپورت پناهجویان ایرانی در کانادا

اداره مهاجرت کانادا میخواست پناهجویی بنام "کارولین تقی زاده" را اخراج کند. بخشی از ایرانیان متقیم کانادا روز سوم دسامبر به اعتراض جمعی علیه این اخراج دست زدند. بر اثر این اعتراض، اداره مهاجرت کانادا حکم اخراج پناهجوی یاد شده را پس گرفته و او را بعنوان پناهنده قبول کرد. اما اداره مهاجرت کانادا هم چنان مصمم است حدود ۹۵ تن پناهجوی ایرانی را دیپورت کند.

مخالف دمکراتیک و ترقیخواه کانادا از حرکت اعتراضی ایرانیان حمایت بعمل آورده و نسبت به دیپورت پناهجویان شدیداً اعتراض نمودند.

قیمت شیر ۲۰ درصد افزایش یافت

از روز ۱۵ دی ماه، قیمت هر بطری شیر پاستوریزه ۲۰ ریال افزایش یافت. براساس قیمت های جدید، بهای شیر در تهران از ۱۰۵۰ ریال به ۱۲۵۰ ریال در استان ها از ۸۵۰ ریال به ۱۰۵۰ ریال افزایش یافت. به گفته مدیر عامل صنایع شیر ایران، این افزایش قیمت با محور سال گذشته شورای اقتصاد و با هماهنگی سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولیدکنندگان و صنایع شیر ایران صورت گرفته است.

در اطلاعیه های دولتی، به رسم معمول، بر برخورد جدی با تخلف کنندگان از قیمت های اعلام شده تأکید شده است. اما بنا به گزارش برخی روزنامه های تهران، عرضه شیر در همه جا پیش از قیمت های اعلام شده صورت می گیرد. روزنامه کیهان افزایش بهای شیر را پیش درآمد تک نرخی شدن ارز نامید که به گرانتری بیشتر کالاها منجر خواهد گردید.

سه وزارتخانه صنعتی اقدام می شوند

کلیات طرح اقدام سه وزارتخانه صنعتی (صنایع، صنایع سنگین، و معادن و فلزات) در کمیسیون های صنایع و امور اداری مجلس به تصویب رسید. به گفته رمضانپور نرگسی عضو هیئت رئیسه مجلس، هدف این طرح ایجاد یک وزارتخانه واحد به منظور ایجاد تمرکز در خط مشی صنعتی است. به گفته وی وجود مراکز متعدد تصمیم گیری، سیاست گذاری در زمینه خط مشی صنعتی کشور را دچار مشکل ساخته است. وی سمت گیری در مورد محدود کردن دخالت های دولت در اداره صنعت کشور را یکی دیگر از دلایل فوق دانست و گفت: این محدود شدن وجود وزارتخانه های چندگانه را بيمورد می سازد. به گفته وی، اجرای این طرح در راستای سیاست تعدیل اقتصادی و اصلاح ساختار اداری و تعدیل نیروی انسانی است. طرح اقدام وزارتخانه های فوق قرار است به زودی در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار گیرد.

تشکیل کمیسیون به منظور پاسخگویی فقهی به مسایل روز

گذارده است، هومالی است که وجود این ارگان تازه را در کنار حوزه های علمیه ضروری ساخته است.

این ضرورت ظاهراً ادامه راهی از بن پاسخ های مردم فزاینده تر در پاسخ به "مسایل فقهی" و اداره اسلامی جامعه انجام میدهد. بن بست ها به ویژه در ناتوانی رژیم جهت ارائه الگویی قابل قبول از حکومت اسلامی در سطح جامعه به وجود آمده و به سرعت تشدید می شود. رژیم در برابر موج فزاینده ایده ها، نو که خود آن را "تعمیر فرهنگی" مینامد، از نظر ایدئولوژیک و فرهنگی ناتوان مانده و جز استفاده از ابزار سرکوب وسیله و پاسخ دیگری در اختیار ندارد. نه تنها جامعه دست رد بر سینه ایدئولوژی حاکم زده است بلکه اکنون مدتهاست در درون و پیرامون خود رژیم نیز فکری روه گسترش است که اسلام و ولایت فقیه را فاقد توانایی برای اداره حکومت و جامعه میدانند و مدیریت جامعه را بر اساس فقه نغی و خواهان سازماندهی و مدیریت علمی جامعه است.

تشکیل این کمیسیون ظاهراً کمکی است در پاسخگویی به مشکلات هر دم فزاینده تر فوق به رژیم و به حوزه های علمیه که بیشتر شخصیت های مذهبی درجه اول خود را با به مرگ طبیعی و یا تکفیر سیاسی و مذهبی از دست داده اند. اما میتوان هدف دیگری را نیز در این میانه متصور دانست. نتیجه تخصصات این کمیسیون در احکام حکومتی خامنه ای که قرار است بالاتر از فتاوی باشد، جاری خواهد شد. این تخصصات می تواند تا حدودی ضعف و رتبه فقهی پایین خامنه ای را جبران کند و به تحکیم قدرت او و ولایت مطلقه فقیه خدمت نماید. اما همه اینها به شرطی است که در سیستم تمرکز ناپذیر روحانیت که هر کس برای خود سازی میزند این کمیسیون جایی و محلی از اهراب پیدا کند.

سخنان جنجال برانگیز دکتر سروش

امسال فضای هفتت وحدت حوزه و دانشگاه با سخنرانی دکتر عبدالکریم سروش در دانشگاه اصغان داغ شد. سروش سخنان جنجال برانگیزی را بر زبان راند و سرو صدای زیادی در محافل مذهبی و بویژه مدرسه فیضیه برانگیخت.

او در این سخنرانی گفت چون مدیریت اداره کشور در دست روحانیت است و کارها بدست آنها سپرده شده لذا فارغ التحصیلان دانشگاه ها امروز کار پیدا نمی کنند. سروش افزود: حوزه های علمیه با توده هوم روبرو هستند که مسایل غیر علمی و غیر تخصصی از آنها می پرسند. روحانیون مسئول هدایت و تربیت هوم هستند. با هوم سخن گفتن اقتضایات دیگری دارد و با خواص و اهل علم سخن گفتن اقتضایات دیگری. او می گوید خطابه سخنی است غیر علمی، غیر تخصصی و غیر استدلالی گفتن برای نفوذ در دل هوم برای جا انداختن یک مساله به هر نحو در میان مردمی که طالب دلیل

از میان رویدادها

جاذبه دلخراش رانندگی در تهران

مختاری درس می خوانند. بدنبال این حادثه دلخراش، مدارس منطقه ۱۱ تهران تعطیل شد و انبوه پیشماری از مردم در مراسم تشییع جنازه این دختران دانش آموز شرکت کردند. مقامات پلیس راهنمایی تهران هنوز نتوانسته اند علت دقیق این حادثه را تعیین کنند. گفتنی است که در خیابان ولنجک تهران تاکنون حوادث رانندگی زیاد و مرگباری رخ داده است که یکی از هلاک آن دیوار بتونی است که در انتهای سرازیری تند این خیابان بنا شده و موجب حادثه اخیر گردید. به نوشته روزنامه های تهران وزارت کشاورزی این دیوار بتونی را به منظور محافظت از باغ موسسه تحقیقات آفات و بیماری های گیاهی بر خورد نمود. در نتیجه این تصادف ۱۶ دانش آموز، یک معلم، یک مستخدمه مدرسه و راننده مینی بوس دردم کشته و بقیه دانش آموزان مجروح شدند. در روزهای بعد خبر درگذشت یکی دیگر از مجروحین این حادثه نیز منتشر شد. دانش آموزان مذکور، در سال سوم مدرسه راهنمایی دخترانه ارشاد در خیابان

در یک حادثه خونین رانندگی در تهران ۲۵ نفر از جمله ۱۷ دانش آموز کشته شدند. این حادثه تا ساف بار در ساعت ده و نیم صبح روز یکشنبه ۶ دی ماه اتفاق افتاد. به گزارش روزنامه ها مینی بوسی که ۲۲ دانش آموز و همراهان آنها را به اردوی دکتر چمران در شمال تهران می برد در خیابان ولنجک دچار حادثه شد. مینی بوس ابتدا با یک اتوموبیل سواری تصادف کرد و سپس با سرهت زیاد و پس از عبور از چندین تقاطع به دیوار بتونی باغ موسسه تحقیقات آفات و بیماری های گیاهی وابسته به وزارت کشاورزی برخورد نمود. در نتیجه این تصادف ۱۶ دانش آموز، یک معلم، یک مستخدمه مدرسه و راننده مینی بوس دردم کشته و بقیه دانش آموزان مجروح شدند. در روزهای بعد خبر درگذشت یکی دیگر از مجروحین این حادثه نیز منتشر شد. دانش آموزان مذکور، در سال سوم مدرسه راهنمایی دخترانه ارشاد در خیابان

تعلیق قرار داد فرهنگی ایران و آلمان

وزارت خارجه آلمان در پاسخ به خواست دولت های محلی چندین ایالت این کشور، قرار داد فرهنگی با ایران را که در اواخر دهه هشتاد میلادی میان دو کشور به امضا رسیده بود، به حال تعلیق در آورد. چندین دولت محلی آلمان با استناد به نقض حقوق بشر در ایران و عدم تقوای سلمان رشدی اعلام کرده بودند که از دادن رای مثبت به قرار داد فرهنگی با ایران و اجرای آن در ایالت های تابع خویش سر باز خواهند زد. کلاوس کیکل در واکنش به این تصمیم قرار داد را به طور یکجانبه معلق ساخته و اجرای دوباره آن را به تغییر مواضع رژیم جمهوری اسلامی در زمینه اجرای حقوق بشر موکول کرده است.

ایران در زمان خود موجی از اعتراض روشنفکران آلمان را برانگیخت، اما دولت آلمان برای به خطر نیانداختن روابط تجاری خود با ایران به این اعتراضات وقعی ننهاد. با تصمیم اخیر و نیز با توجه به محرومیت ایران از شرکت در نمایشگاه بین المللی کتاب فرانکفورت و همچنین با اشامه پاره ای از خبرها مبنی بر قطعیت دخالت رژیم در قتل رهبران حزب دمکرات کردستان ایران در آلمان، روابط تهران و بن که نسبت به روابط ایران با سایر کشورهای اروپایی ثابت و پایدار بیشتری داشت، اینک بعید نیست که دچار نوسان شده و ایران با چهارچوب روابطش با غرب با دشواری های بیشتری مواجه شود.

"حرکت فرهنگی تازه"

حضور خانم "ساکی" با چادر و مقنعه در برنامه های اخبار تلویزیون، روح تازه ای در جان حزب الله مایوس از همه جا دمیده است! این خانم چادری توجه، پشتیبانی و قدر دانی شدید حزب الله و جراید حزب الهی را برانگیخته است. این اقدام بعنوان یک "حرکت فرهنگی" و جزئی از مبارزه با تعامیر فرهنگی

تعمیر شده و مورد حمایت سازمان ها و نهادهای مختلفی قرار گرفته است. خانم ساکی اخیراً در پاسخ به سوالی که: "آیا مایل هستید با یک نوع دیگر از حجاب در مقابل دوربین ظاهر شوید؟" پاسخ داده است: "بله البته به شرط آنکه کاملتر از چادر باشد!"



دو انجمن اسلامی در صنف بازار!

به گفته فرخ مسئول انجمن اسلامی صنف فروشان انجمن اسلامی جدیدی در مقابل جامعه انجمن های اسلامی اصناف و بازار" در حال تشکیل است. او که همانند هم صنف هایش از این جریان بشدت ناراحت است، در جلسه هفتگی "جامعه" زبان به شکایت گشوده است. فرخ میگوید که هدهای در صدد ایجاد یک انجمن اسلامی برآمده اند و وزارت کشور از این جریان حمایت به عمل می آورد. به گفته او سران "انجمن اسلامی" به خامنه ای توسل جسته اند و از او درخواست کرده اند که جلو ایجاد انجمن اسلامی رقیب را بگیرد. خامنه ای در پاسخ گفته است که من از مجموعه مطالبی که گفته می شود احتمال میدهم حق با "جامعه انجمن های اسلامی اصناف و بازار" باشد و اضافه کرده است که وجود دو انجمن اسلامی در یک صنف معنی ندارد، آقایان نباید بگذارند اختلاف و انشعاقی بوجود آید و وزارت کشور باید ضوابط قانونی را رعایت کند.

"انجمن های اسلامی اصناف و بازار" یکی از شکل های مهم بازاریهای طرفدار جمهوری اسلامی از ابتدای انقلاب بهمین تا حالا بود. بازاریها از طریق این تشکل و سایر تشکل های خود در هر صه سیاسی و اقتصادی کشور فعالانه شرکت می جستند و جناح خود را در حکومت تقویت می نمودند. بازاریها در کوشش های اخیر و در بروز شکاف بین خامنه ای و رفسنجانی در جانب خامنه ای قرار گرفته اند و از سیاست های دولت در برخی از هر صه ها انتقاد میکنند. در همین جلسه سید تقی خاموشی یکی از اعضای مؤثر این انجمن از سیاست دولت در زمینه واردات بشدت انتقاد نمود. به نظر می رسد که وزارت کشور برای جلوگیری از یک تازی این دسته از بازاریها، اجازه تشکیل انجمن اسلامی به طرفداران دولت راداده و از آنها حمایت به عمل آورده است. اکنون که "جامعه" با رقیب تازه نفس روبرو گشته است با توسل به خامنه ای می خواهد هم چنان انحصار تشکل بازاریها را در دست خود نگاهدارد.

خواستار تشکیل انجمن های ناصحین در سراسر کشور شد

جنتی عضو شورای نگهبان و رئیس شورای سیاست گذاری سازمان تبلیغات اسلامی در گردهمایی اعضای جامعه ناصحین قم خواستار تشکیل انجمن های ناصحین در سراسر کشور گردید. او گفت پوشش نامناسب زنان در اجتماع دهن کجی به ارزش های انقلاب است و باید با آن قاطعانه برخورد شود. وی افزود: انجمن های ناصحین، جوانان بسیجی و دانشوران انقلاب هستند. امر به معروف و نهی از منکر یک کار مردمی است و نباید جنبه اداری پیدا کند.

به انگیزه هفتادمین سالگرد سرایش "افسانه"

"افسانه" نیما، نیمای "افسانه"

من کاملا به موقعیت خودم امیدوارم و پیش چشم می بینم آینده ای را که با موهایی شده...

۶- از حیث سبک یکدست نیستند و همچنین از جهت افراط و سوا...

اندکی پس از جنبش مشروطیت یعنی در سال های واپسین سده پیشین و دهه های نخست سده جاری کسانی همچون...

پرده دیگر - گفتگوی فرزند و مادر - ای ورپیری بچه تو ای دشمن جانم - هر هر - کشتی تو مرا بسکه زدی زار - زرز - از دست تو...

با این همه باید گفت که تلاش و نوآوری های همه این شاعران بود که به صورت کمیته متراکم شده...

انتشار یافت به لحاظ ساخت زبانی، شعری متفاوت با گذشته است. در واقع پیش از نیما نیز...

انتشار افسانه نیما "به حد کافی دنیای ادبیات هر سوم آن زمان را خشمگین می سازد..."



آطور که من می دانم وزنم و مطلب آن را اسم - می گذارم، بسیار بسیار مشکل است و بسیار...

با خواندن نامه های نیما که در کتابی مایی همچون "نامه های نیما به همسرش"...

در واقع نیما بر بستر همین مطالعات و پژوهش ها و از رهگذر آگاهی ژرف به نیازهای زمانه است...

نیما پس از منظومه "افسانه"، در دهه ۲۰ با سرودن شعرهایی همچون "قنوس"، "قرباب"، "رخ امین"...

ح - بعداد

نامی معاصر به گونه ای از هنر و احساسات ژرف و مردم دوستانه...

نیما تاثیر پذیرفته اند. فروغ درباره این تاثیر می گوید: "نیما شاعری بود که در شعرش برای اولین بار یک فضای فکری دیدم، و یک جور کمال انسانی مثل حافظ من که خواننده بودم، حس کردم که با یک آدم طرف هستم..."

شاملو از فروغ هم فراتر رفته و می گوید: "نیما استاد من است و چنان برایش حرمت قائلم که در موردش نمی خواهم هیچگونه تفاوتی بکنم..."

۳۳ سال پس از مرگ نیما، نام وی همچون ستاره ای بر تارک ادبیات معاصر ایران می درخشد و شاعران برجسته زمان ما هنوز از آفرینش های ماندگار و بینش و نگرش افسانگرایانه وی توشه برمی گیرند...

یوشیج را و ارج بشناسیم یادگارهای عزیزش را، زیرا که او یکی از بزرگترین نمایندگان هنر و فرهنگ ملی ما، یکی از گرانمایه ترین فرزندان آب و خاک سرزمین کهن ما، پاسدار شرف و حیثیات انسانی و خدمتگزار ملت ما بود...

بیاوزیم از او شکیبایی و بردباری را و شرفمندانه و قادر بودن به نیکی را و بی ریایی و بی ادعایی را، بیاوزیم از او خشم و خوشی های نجیب را، بیاوزیم از او مردانه به کار بزرگ دبستان را، زیرا که او در کار بزرگ خویش مردانه دل بسته بود، زیرا که او مرد بود، مردی مردستان...

نیما پس از منظومه "افسانه"، در دهه ۲۰ با سرودن شعرهایی همچون "قنوس"، "قرباب"، "رخ امین" پیوسته بر کیفیت و فنای زبان شعری خود می افزاید و با سرودن شعرهای "مائی"، "می تراود مهتاب" و "او را صابرن" در سال های بعد نامیرایی و پویایی شعر نو را قطعیت بیشتری می بخشد...

گزینه افسانه

- در شب تیره، دیوانه ای کاور دل به رنگی گریزان سپرده، در دره ای سرد و خلوت نشست...
افسانه: - استلابی که مانده ای او کسی در این راه نماند...
عاشق: - ای فسانه، فسانه، فسانه! ای خندنگ ترا من نشانه! ای علاج دل، ای داری دره همه گریه های شانه...

خبرها و نظرها

برگزاری پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران

دبیرخانه مرکزی حزب توده ایران طی اطلاعیه‌ای برگزاری پلنوم کمیته مرکزی این حزب را اعلام نمود. طبق این اطلاعیه، پلنوم گزارش هیات ایرانی این حزب درباره اوضاع جهان، اوضاع ایران بررسی کوتاهی از آرایش طبقاتی جامعه، ارزیابی شرایط مبارزه و اوضاع اپوزیسیون را به تصویب رساند. پلنوم پس از بحث درباره «آیین نامه اجرایی مقررات کار تشکیلاتی خارج از کشور» به هیات اجرایی توصیه کرد تا طرح نهایی آیین نامه را برای تصویب کمیته مرکزی آماده نماید. همچنین پلنوم به بررسی روابط مابین نیروهای اپوزیسیون پرداخته و سیاست حمل حزب را در این زمینه به تصویب رساند و در خاتمه هیات اجرایی حزب را انتخاب نمود. در بخشی از گزارش هیات اجرایی تحت عنوان تحولات در جنبش کارگری و کمونیستی آمده است: «پس از طی یک دوران نسبتاً طولانی از خطرات و گسیختگی، اکنون شاهد تحول مثبت در مجموع جنبش چپ به سمت بازسازی و ادامه مبارزه در شرایط نوین می‌باشیم. از جمله نمونه‌های موفق در این هرصه شرکت موفق نیروهای چپ در انتخابات لیبرال، بلژیک، ایتالیا و اوکراین و انتخابات محلی در بخش شرقی آلمان می‌باشد» در ادامه گزارش به فعالیت مجدد نیروهای چپ و کمونیست در اتحاد شوروی سابق، بازسازی حزب کمونیست ایتالیا و موفقیت وی در انتخابات ریاست جمهوری گویان پرداخته و نتیجه‌گیری نموده است که برخلاف پیش‌بینی نظریه پردازان بورژوازی مبنی بر اینکه با فروپاشی اتحاد شوروی احزاب وابسته به آن نیز فرو خواهند پاشید مبارزه این نیروها علیه دشواری‌ها و فرازونشیب

پیش می‌رود. گزارش بر ضرورت برگزاری نشست وسیع تمامی احزاب کارگری و کمونیستی در جهت تعیین خط مشی و برنامه کاری نیروهای چپ تاکید نموده است. در بخش‌های دیگر، گزارش به تحلیل آرایش طبقاتی در کشور پرداخته است. در این تحلیل در رابطه با طبقه کارگر آمده است که این طبقه همچنان استوارترین نیروی ترقی‌خواه و پیگیرترین مبارزترین نیروی جامعه در مبارزه برای آزادی، استقلال و پیشرفت اجتماعی است. در همین حال، گزارش بر رشد منفی این طبقه بدلیل توقف رشد صنایع تاکید گردیده است. در رابطه با دهقانان، فقدان شکل‌های صنفی در میان دهقانان کشور به عنوان عامل عمده و جدی ضعف در جنبش دهقانی کشور معرفی شده است. در گزارش همچنین بر نارضایتی اکثر کسبه و پیشه‌وران کوچک تضاد آنان با تجار و سرمایه‌داران بزرگ و جدایی نمایندگان سیاسی بخش‌هایی از آنان از حاکمیت، تضاد جدی بخش عمده کارکنان دولتی و خصوصی و خصوصاً رده‌های پایینی و میانی آن با رژیم و تضاد اقشار پایینی خرده بورژوازی با حاکمیت جمهوری اسلامی تاکید شده و همچنین آمده است که لومین پرولتاریا و بخشی از حاشیه‌نشینان شهرها به هلت باورهای مذهبی و فقدان پایگاه ثابت طبقاتی در خدمت رژیم ارتجاع قرار دارند و نتیجه‌گیری شده است که رژیم عمده‌نماینده منافع بورژوازی بزرگ بازار و بورژوازی بوروکراتیک انگلی است. در گزارش آمده است که اوضاع اقتصادی، فشار بر توده‌های مردم، تضادهای درون حاکمیت و ظلم و ستم بی‌سابقه حاکمی از جود شرایط عینی برای تغییر در جامعه است و آنچه در

شرایط کنونی موجود نیست شرایط ذهنی است. سرکوب و حشیانه نیروهای ملی و مترقی، مهاجرت اجباری بخش بزرگی از این نیروها، اتخاذ سیاست‌های اشتباه و مهم‌تر از همه پراکندگی نیروهای مخالف، عدم توانایی طیف وسیع نیروهای مخالف رژیم در همکاری در زمینه‌های مختلف، کار سازماندهی مبارزه و ایجاد ائتلافی واحد در مقابل رژیم را بسیار دشوار ساخته است. گزارش، آنگاه به بحث پیرامون شعار محوری حزب در شرایط کنونی پرداخته و شعار «لرزداد رژیم ولایت فقیه» را به عنوان شعار محوری حزب مورد تایید قرار داده است. در این رابطه آمده است که «مبارزه علیه ساختار ولایت فقیه کلیدی‌ترین هرصه مبارزه با استبداد و اختناق کنونی است و تا هنگامیکه این ساختار قرون وسطایی بر مملکت ما حکمفرماست، امیدوار بودن به تحول جدی در جامعه، سباب و توهمی بیش نیست و تجربه سال‌های اخیر نیز این امر را بارها به اثبات رسانده است. تدارک و سازماندهی مبارزه برای پایان دادن به این شیوه حکومتی در کشور ما تنها آغازی است برای تحولات بعدی برای ایجاد یک جامعه آزاد و متکی بر آرا مردم. بدیمی است از اجابیه حاکمیت جمهوری اسلامی عمدتاً از رهبران مذهبی تشکیل می‌شود این مجموعه به شدت با چنین تغییراتی مخالفت خواهد کرد و تنها زمانی تن به آن خواهد داد که مبارزات مردم چنین خواستی را به آنان تحمیل کند. هرگونه حرکتی در جامعه به سمت آزادی، سمت مخالفت با ولایت فقیه گامی است در جهت تضعیف رژیم و آماده‌سازی زمینه برای تغییر اوضاع».

در ادامه مباحثات و گسترش اختلاف درون سلطنت طلبان در نشریه راه آینده مقاله‌ای به قلم آقای داریوش همایون تحت عنوان مشروطه‌خواهی در خدمت پیکار ملی درج گردیده است. این مقاله با هدف پاسخگویی به نظریات جناح افراطی سلطنت طلبان و مقالات آقای شجاع‌الدین شنا تنظیم گردیده است. نویسنده در این مقاله کوشیده است عنوان مشروطه خواه را از سلطنت طلب تفکیک کند. او در این باره می‌نویسد: «مشروطه‌خواهی را تنها در نهاد پادشاهی و قانون اساسی ۱۲۸۶ - ۱۲۸۵ نباید خلاصه کرد. انقلابیون مشروطه بنیادگذاران پادشاهی در ایران نبودند بلکه از پادشاهی تعریف تازه‌ای کردند و آن را در متن جهان بینی و برنامه سیاسی تازه‌ای قرار دادند که سرپای جامعه ایرانی را درگون کرد. انقلاب مشروطه یک انقلاب نوگری یا تجدید و مدرنیته بود.»

وی سپس به دفاع از حرکت تاریخی سلطنت طلبان پرداخته و می‌نویسد «مشروطه‌خواهان

سلطنت طلبان و مفهوم مشروطه طلبی

وارث یک سنت بزرگ و ساله‌اند، بزرگترین و منی‌ترین سنت سیاسی ایران که بیش از هر سنت سیاسی دیگری قابلیت و نیروی زندگی و توانایی پیشبرد ملت ما را دارد. در مقایسه با سنت سیاسی لیبرال یا به قول خودشان ملیون که تنها بر دموکراسی تکیه می‌کرد و سنت سیاسی چپ که به نام عدالت اجتماعی در پی تحمیل نمونه‌های شکست خورده یک نظام توتالیتر بر ایران بود و یا سنت مذهب بنیادگرا که در کار نابودی هر چیزی است که از ایران مانده است» وی سپس مشروطه و نوگرایی و مدرنیته را یکی، و تجربه صدساله در سما و پیروزی‌های آن را پاسخگوی همه مسائل امروز و آینده ایران می‌داند. وی سپس مینویسد انقلابیون مشروطه بر ضد سلطنت مطلقه قیام کرده و کوشیدند حاکمیت را به مردم بازگردانده، سلطنت مطلقه را با حکومت قانون محدود نموده و منابع کشور را به مصرف توسعه و ترقی ایران برسانند. وی سیاست‌های «نه‌بهره، نه‌تلاش‌های دکتر مصدق در راه ملی‌کردن صنعت نفت را ادامه حرکت

مشروط خواهان دانسته و مینویسد که هر چند رضا شاه و محمدرضا شاه به دموکراسی اعتقاد نداشتند ولی اصلاحات و پیشرفت اسباب گسترش دموکراسی را فراهم میساخت و عدم گسترش گام‌بگام دموکراسی بحران و آشوب و هرج و مرج را موجب گردید.

وی سپس نتیجه‌گیری می‌کند که باید در پی تعریف یک مشروطه نوین بود و مثلاً دیگر نمی‌توان امروز از حضور هیئت پنج نفری مجتهدین طراز اول در قانونگذاری سخن گفت. او در ادامه می‌نویسد گرایش‌های فکری دیگر در صورت اساس تعدد به حاکمیت ملی آنچنان تفاوت‌هایی با مشروطه‌خواهان ندارند که نتوان در یک چهارچوب دموکراتیک حل و فصل کرد. وی سپس به ضرورت سازماندهی نیروهای مشروطه‌خواه تاکید کرده و از گرایش این نیروها به جانشین کردن کار منظم سیاسی یا انفجار گامگاهی فعالیت و دست زدن به دشنام و ناسزا به نام مبارزه سیاسی، و عادت آنها به رابطه فرماندهی انتقاد می‌نماید.

اطلاعیه

جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران

چندی قبل آقای منوچهر گنجی رهبر سازمان درفش کاپوایی طی پیامی تاسیس سازمانی با عنوان «سازمان دفاع از حقوق بشر و آزادی برای ایران» را اعلام نمود و طرح کرد که نیروهای سازمان درفش کاپوایی از این پس عمده فعالیت خود را در چارچوب این سازمان متمرکز خواهند نمود. جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران که سال‌هاست در این زمینه فعالیت مینماید اطلاعیه‌ای در این رابطه صادر نمود. در این اطلاعیه آمده است که این جامعه دفاع از آزادی و حقوق بشر در ایران را رسالت انحصاری خود نمی‌داند ولی اقتباس عنوان «جمعیت دفاع از آزادی حقوق بشر در ایران» که در سال ۱۳۵۶ در ایران تاسیس گردید و توسط رژیم جمهوری اسلامی به محاق تعطیل و ممنوعیت کشیده شد، نه با موازین حقوقی و قانونی مطابقت دارد و نه با اصول اخلاقی. در این اطلاعیه همچنین آمده است که جامعه‌های دفاع از حقوق بشر در ایران که در کشورهای

مختلف تشکیل شده‌اند در قبال تمام دولت‌ها و همه سازمان‌های سیاسی استقلال نام دارند و وظیفه آنها مطابق اساسنامه این جامعه «نظارت بر رعایت و اجرای دقیق موازین و اعلامیه جهانی حقوق بشر در تمام شئون اجتماعی و در نهادهای ملی و حکومتی است. این جامعه نه خواستار زوال و سقوط حکومت است و نه حزب و گروه و سازمانی را به حکومت می‌رساند و نه خود برای کسب قدرت سیاسی مبارزه می‌کند. حال آنکه سازمان جدیدالتاسیس بنا به مفاد پیام آقای گنجی خبر از تاسیس یک سازمان یا جبهه سیاسی می‌دهد.» در ادامه اطلاعیه ادعای آقای گنجی مبنی بر اینکه دوازده سال پیش کمیته دفاع از حقوق بشر در ایران تشکیل شد و به همت این کمیته موضوع نقض فاحش و مستمر حقوق بشر آزادی‌های اساسی مردم در دستور کار کمیسیون حقوق بشر و مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت ردا شده است.

انتشار

دوره جدید

نشریه ایل گویچی

اولین شماره دوره جدید انتشار یافت. دوره جدید این نشریه محصول اقدام دو نشریه تازه بدل و ایل گویچی است. در سرمقاله شماره اول این نشریه با عنوان نخستین گام آمده است «مشی نشریه استقلال، آزادی، دموکراسی و ملتیت است. استقلال از دو وجه برای ما حائز اهمیت ویژه است. یکی از وجه دفاع از هویت و حقوق ملی فرهنگی خلق ترکمن و دیگری دفاع از استقلال اندیشه و تفکر و رد هر گونه وابستگی فکری، سیاسی و عقیدتی و فیره» در این سرمقاله آمده است که نشریه خواهد کوشید اخبار و رویدادهای مختلف، خاصه مسائل مربوط به ملت ترکمن و ترکمن صحرا را بیطرفانه در نشریه منعکس سازد و همه کوشش خود را به کار خواهد گرفت تا به جای برخورد شعاری به بررسی شعوری مسائل و موضوعات بپردازد.

با اشتراك کار ما را در پیشبرد وظایفمان یاری رسانید

<p>فرم اشتراك</p> <p>برای اشتراك نشریه کار، فرم زیر را پر کرده، به آدرس نشریه کار از سال نمائید.</p> <p>مايلم نشریه کار را برای مدت شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال <input type="checkbox"/> مشترک شوم. معادل</p> <p>بهای اشتراك بصورت حواله بانکی <input type="checkbox"/> تمبر پستی <input type="checkbox"/> همراه نامه است.</p> <p>آدرس: _____ (لطفاً خوانابنویسید) Name: _____ Address: _____</p>	<p>بهای اشتراك نشریه کار</p> <table border="1"> <tr> <td>شش ماهه</td> <td>یکساله</td> </tr> <tr> <td>اروپا ۴۵ مارک</td> <td>۹۰ مارک</td> </tr> <tr> <td>سایر کشورها ۵۲ مارک</td> <td>۱۰۴ مارک</td> </tr> </table> <p>مطالبی که با امضاء فردی در کار درج می‌شود، لزوماً بیانگر موضع و نظر نشریه نیست.</p>	شش ماهه	یکساله	اروپا ۴۵ مارک	۹۰ مارک	سایر کشورها ۵۲ مارک	۱۰۴ مارک	<p>ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)</p> <p>حساب بانکی: M.ABD NR_35263011 کدبانک: 37050198 Stadtparkasse Köln GERMANY</p> <p>آدرس: Ruzbeh Postfach 1810 5100 Aachen GERMANY</p> <p>fax: 00 49 - 221 - 3318290</p>
شش ماهه	یکساله							
اروپا ۴۵ مارک	۹۰ مارک							
سایر کشورها ۵۲ مارک	۱۰۴ مارک							

آیا آمریکا در بوسنی مداخله خواهد کرد؟

ادامه بحران

فلسطینی‌های تبعیدی

کمی کرده‌اند. در شرایطی که ۴۰ درصد از ۹۰۰ هزار فلسطینی ساکن نوار فزه بیکارند و فقر و محرومیت در این منطقه به چشم می‌خورد، اقدامات بینادگرایان مانند ترتیب دادن پخش غذای رایگان در میان مستمندان، سازماندهی کلاس‌های کامپیوتر، کاراته و غیره برای جوانان در مساجد و تبلیغات افراطی علیه مذاکرات صلح خاورمیانه، بر میزان طرفداری از حماس افزوده است. بویژه در ماه‌های اخیر که سرسختی اسرائیل گفتگوهای

بحران ایجاد شده با اخراج ۴۱۵ فلسطینی ساکن مناطق اشغالی توسط اسرائیل، ادامه دارد. سه هفته از هنگامی که نظامیان اسرائیلی، این تبعیدی‌ها را در منطقه مرزی و کوهستانی میان اسرائیل و لبنان رها کردند، می‌گذرد بدون اینکه هیچ یک از دو دولت اسرائیل و لبنان مسئولیت این عده را بپذیرند. این دو دولت نه تنها حاضر به پذیرش فلسطینی‌ها نشده‌اند، بلکه از کمک‌رسانی به آنها توسط سازمان‌های بین‌المللی نیز جلوگیری میکنند. در میان برف و

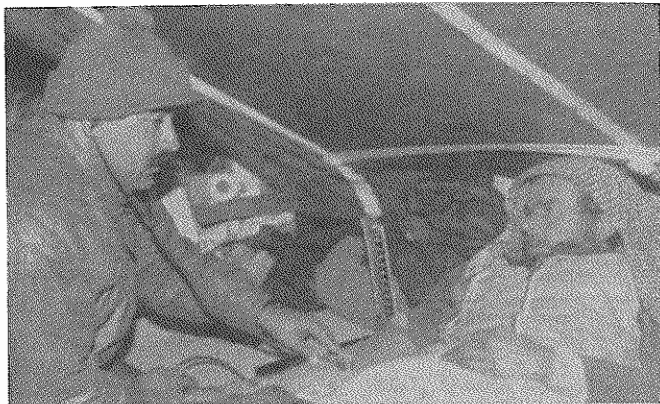
بیل کلینتون در آستانه انتخابات پارلمان ریاست جمهوری صربستان از مردم این کشور خواست به سلو بودان میلوشویچ رئیس جمهور صربستان رای مخالف دهند. برخی نشانه‌های دیگر نیز حاکی از این بود که آمریکایی‌ها به پیروزی میلان پانیچ نخست‌وزیر صرب - آمریکایی ندراسیون یوگسلاوی در انتخابات ریاست جمهوری صربستان امید بسته‌اند. این امید به تحقق نیوست. پانیچ نتوانست میلوشویچ را در انتخابات شکست دهد، و پس از انتخابات حتی عنوان نخست‌وزیر ندراسیون را از دست داد. پانیچ که با شعارهای صلح طلبانه به صحنه سیاسی یوگسلاوی وارد شد، اینک یک بازنده است که حرف چندانی برای گفتن ندارد.

بحران بالکان در صورت مداخله نظامی غرب، وارد مرحله جدیدی خواهد شد. ظاهراً سران آمریکا و برخی از کشورهای متحدش برآنند تا هلیرغم نظر دبیرکل سازمان ملل و فرستاده‌ها و به بالکان، بار دیگر دست به یک قدرت‌نمایی نظامی بزنند. اگر چه احتمال به نتیجه رسیدن کنفرانس صلح یوگسلاوی در ژنو نیز به گونه‌ای که طرفین منازعه به توافق برسند، منتفی نیست.

تصمیم به اقدام در بالکان قطعی نیست، می‌گوید: "ما در ویتنام درس‌های نظامی و در خلیج فارس درس‌های سیاسی گرفتیم. تجربه ویتنام می‌گوید که افزایش تدریجی میزان مداخله به نتیجه نمی‌رسد." این مقام آمریکایی می‌افزاید در صورت اتخاذ تصمیم قطعی به مداخله، آمریکا و متحدانش ناگزیر از درگیر شدن زمینی با صرب‌ها خواهند بود. تلاش‌های آمریکا با مقاومت دبیرکل سازمان ملل مواجه است. تاکنون پطرس عالی بر این نظر خود پافشاری کرده است که باید به فعالیت‌های دیپلماتیک و کنفرانس صلح یوگسلاوی سابق در ژنو فرصت بیشتری داد. سائروس و نس وزیر خارجه سابق آمریکا که چند ماه است از سوی دبیرکل سازمان ملل مأموریت میانجی‌گری در بالکان را دنبال می‌کند، در آخرین روزهای سال ۱۹۹۲ از جرج بوش تقاضای ملاقات کرد تا خواستار عدم مداخله نظامی شود. ظاهراً به تقاضای ونس و قوی گذاشته نشده است. در بروکسل، ناتو اعلام کرد که حاضر است نیروهای خود را برای کنترل منع پرواز بر فراز بوسنی به کار گیرد. فرانسه نیز که نیروهایش در چارچوب ناتو نیستند موافقت کرده است تا نظامیان خود را برای شرکت در عملیات مشترک، کسپیل داد.

فراز بوسنی زد. یک مقام شورای امنیت ملی آمریکا به مطبوعات این کشور اطلاع داد که بوش تصمیم نهایی خود را برای مداخله در بالکان گرفته است. به نوشته هفته‌نامه آمریکایی نیوزویک، پنتاگون وزرات دفاع ایالات متحده، طرحی تهیه کرده است که نتیجه ماه‌ها مشورت و تبادل نظر میان ژنرال کالین پاول رئیس ستاد نیروهای مسلح آمریکا و ژنرال جان شالیکا شویلی فرمانده نظامی ناتو است. هنوز از کاخ سفید تاییدی بر اقدامی فراتر از به کرسی نشاندن ممنوعیت پرواز انتشار نیافته است. آنچه امکانات بوش را محدود می‌کند، این است که هر تصمیمی که او بگیرد، تا چند هفته دیگر تبدیل به معضله دائمی دولت کلینتون و وزرات خارجه (احتمالاً وارن کریستوفر معاون وزیر خارجه دولت کارتر) و احتمال زیاد لس‌آسپین رئیس کمیته دفاع مجلس نمایندگان خواهد شد. در پنتاگون طرح "پرواز ممنوع" بیش از سایر پیشنهادها طرفدار دارد.

به نظر می‌رسد جرج بوش رئیس جمهور آمریکا در آخرین روزهای زمامداری خود تصمیم به مداخله در بوسنی گرفته است. طی ماه‌های گذشته، نوعی دوگانگی وجه مشخصه سیاست واشنگتن در قبال بحران بالکان بود. در حالیکه وزرات خارجه ایالات متحده مواضع تندی علیه صرب‌ها اتخاذ می‌کرد، پنتاگون بی‌میلی خود به دخالت نظامی را پنهان نمی‌داشت. مقامات وزرات دفاع آمریکا در پاسخ به آنهایی که خواهان اقدام نظامی بودند، می‌گفتند یوگسلاوی سابق کوهستانی‌تر و صعب‌العبورتر از آن است که ارتش آمریکا بتواند در آنجا کار خود را با موفقیت پیش برد. اما پس از پیاده شدن نیروهای آمریکایی در سومالی، در محافل عمومی آمریکا احتمال دخالت این کشور در بوسنی بیشتر مطرح شد. لارنس ایگل برگر وزیر خارجه دولت بوش ضمن مقایسه قتل عام اهالی بوسنی توسط صرب‌ها با کشتار یهودیان بدست آلمان نازی، خواستار تشکیل دادگاهی بین‌المللی علیه جنایات جنگی رهبران صربستان گردید. بیل کلینتون رئیس جمهور منتخب آینده گفت که برای افزایش فشار بر صرب‌ها باید دست به اجرای عملی اقداماتی در کنترل ممنوعیت پرواز هواپیماهای ارتش یوگسلاوی بر



صلح را به بن بست کشانده، در میان فلسطینی‌ها این باور رشد کرده است که دستیابی به صلح عادلانه از طریق مذاکره ممکن نیست و باید به راه‌حل‌های رادیکال مانند آنچه حماس تبلیغ می‌کند روی آورد.

برخی گزارش‌ها حاکی است انزوای اسرائیل بدنبال اخراج بیش از چهارصد فلسطینی، در کابینه اسحاق رابین این بحث را مطرح کرده است که اسرائیل باید برای خروج از این انزوا و قطع روند رادیکالیزه شدن فلسطینی‌ها، مذاکرات مستقیم با ساف را بپذیرد. برخی سیاستمداران اسرائیلی معتقدند حماس از ساف خطرناک‌تر است اما سیاست رسمی اسرائیل هنوز ساف را دشمن اصلی اسرائیل می‌داند. اسحاق رابین نخست‌وزیر اسرائیل می‌گوید دولت او حاضر به گفتگو با ساف "به مثابه یک سازمان" نیست. رابین می‌گوید این فرمول بندی رابین احتمال مذاکره با یاسر عرفات "به مثابه یک شخصیت" را منتفی نمی‌کند.

اما تاکنون هواتب اقدام ضد انسانی اسرائیل صرفاً منفی بوده است. چهارصد فلسطینی که تعداد زیادی از آنها پزشک، مهندس و یا صاحب حرفه‌های دیگر تخصصی‌اند، در سرمای جنب لبنان روزهای سختی را می‌گذرانند. وقتی هم که این روزها سپری شود، هیچ‌کس نخواهد توانست این عده و خانواده‌هایشان را نسبت به ضرورت صلح با اسرائیل متقاعد کند. اعتراضات مردم مناطق اشغالی به تبعید اخیر، تاکنون حداقل به کشته شدن ده فلسطینی توسط اشغالگران انجامیده است. حماس با اخراج ۴۰۰ فلسطینی به اتهام هواداری از این سازمان، شهرت بیشتری کسب کرده و بدون تردید، باز هم بر پایگاه توده‌ای خود به ضرر ساف افزوده است.

سرهای زیر صفر بلندی‌های جنوب لبنان، افراد اخراج شده از مناطق اشغالی در چادرهایی که دمای هوای درون آنها تفاوت چندانی با هوای بیرون ندارد، زندگی می‌کنند.

مقامات اسرائیلی به تلافی قتل یک پلیس مرزی به اسرائیل توسط "جنبش مقاومت اسلامی" (حماس)، در یک اقدام بی‌سابقه ۴۱۵ تن از اهالی مناطق غرب تحت اشغال خود را از خانه‌های خود رانده، با چشمان و دست‌های بسته به مرز لبنان بردند و با شلیک گلوله آنها را اودار به قدم گذاشتن به خاک لبنان کردند. اسرائیلی‌ها می‌گویند افراد تبعیدی، از نعلین بنیادگرا هستند. اما صرف این امر که اخراج آنها طرف چند ساعت صورت گرفته و نیز این امر که اکنون خود مقامات اسرائیل نیز به تبعید اشتباهی تعدادی از اخراج شدگان معترف‌اند، نشان می‌دهد که در تبعید این عده تا چه میزان حقوق افراد پایمال شده است. از سوی دیگر صرف هواداری از یک جریان سیاسی، هیچ یک از قوانین مورد پذیرش جامعه بین‌المللی به قوای اشغالگر اجازه نمی‌دهد مردم مناطق اشغالی را از سرزمین خود برانند. اقدام اسرائیل در حالی صورت گرفته است که در سال‌های اخیر مقامات اسرائیلی برای تضعیف سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) دست بنیادگرایان را در مناطق اشغالی تاحدی باز گذاشتند، به طوری که اکنون گفته میشود حدود ۴۰ درصد مردم این مناطق از حماس طرفداری می‌کنند. در حالی که موضع ساف در جنگ خلیج فارس باعث شده است که کمک‌های مالی کشورهای ثروتمند غرب به این سازمان قطع شود، حماس میلیون‌ها دلار از تهران کمک مالی گرفته است. برخی گزارش‌ها حاکی است صربستان و سایر شیخ‌نشین‌ها نیز به حماس

زور آزمایی عراق و آمریکا؛ تشنج و تنش بیشتر در منطقه

ایران و کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس و نیز با خلانسی قدرت در دوران انتقال قدرت از جرج بوش به کلینتون کوشید از موقعیت استفاده کرده و میزان جدیت تحریم‌ها علیه خود را بیازماید. در همین رابطه هواپیماهای عراقی پروازهای محدودی را بر فراز منطقه ممنوعه آغاز کردند که مالا به درگیری با جنگنده‌های آمریکایی انجامید. پس از این رویداد، عراق کوشید با استناد به فیرقانونی بودن ممنوعیت پرواز در زیر مدار ۳۲ درجه، موشک‌های زمین به هوای بیشتری را در آن منطقه مستقر کند تا بدینوسیله بر مشروعیت تحرکات نظامی خود در این منطقه و فیر موجه بودن اقدام آمریکا و متحدینش تاکید بگذارد. گرچه نشانه‌گیری این موشک‌ها براحتمال اخلال پذیر است و لذا خطر عمده‌ای را متوجه هواپیماهای آمریکایی نمی‌سازد، با اینهمه کاخ سفید و رهبران غرب استقرار آنها را نشانه‌ای از تلاش عراق برای زور آزمایی دانسته و طی یک اولتیماتوم ۴۸ ساعته از این کشور خواستند که موشک‌ها را از آن منطقه خارج سازد.

عراق گرچه تا آخرین ساعات از تمکین به این اولتیماتوم سرباز می‌زد، لیکن بنا به آخرین گزارش‌ها شروع به انتقال موشک‌ها نموده و بدینسان ظاهراً خطر حمله احتمالی آمریکا و متحدینش به عراق منتفی گشته است.

در روزهای آغازین دیماه (اواخر دسامبر) با حمله جنگنده‌های آمریکایی به هواپیماهای جنگی عراق بر فراز منطقه زیر مدار ۳۲ درجه و سقوط یکی از هواپیماهای عراقی، کشاکش و تنش میان عراق از یکسو، آمریکا و متحدینش از سوی دیگر بالا گرفت. پیش از آن نیز تلاش عراق برای بمب‌گذاری در کامیون‌های حامل مواد غذایی به کردستان عراق نیز زمینه ساز تشنج در روابط این کشور با اعضای شورای امنیت سازمان ملل شده بود.

پس از قیام شیعیان عراق، نیروهای نظامی این کشور به سرکوب و وحشیانه قیام کنندگان پرداخته و موجی از رعب و وحشت را در منطقه دامن زدند. آمریکا و متحدینش با دستاویز قرار دادن جنایات رژیم بغداد، بدون جلب موافقت همه اعضای شورای امنیت، پرواز هواپیماهای جنگی عراق را در جنوب این کشور ممنوع اعلام کردند. هدف غرب از این کار همدتا جلوگیری از نفوذ سیاسی و نظامی ایران در منطقه شیعه نشین عراق و زیر فشار گذاشتن رژیم بغداد، برای به تسلیم واداشتن و سربه راه ساختن هر چه بیشتر آن بوده است. در آن زمان کشورهای عربی و برخی از کشورهای دیگر با این دلیل که این اقدام می‌تواند زمینه ساز تجزیه عراق شود، با آن مخالفت کرده و چین نیز در شورای امنیت حاضر به موافقت با آن نشد. اخیراً بغداد با توجه به بالا گرفتن تنش و اختلاف میان



تشکیل "شورای حل و عقد" در افغانستان و تصمیمات آن

صفته‌ها مجددی شرکت در اجلاس شورا را رد کرد و آن را فیرقانونی و فاقد قدرت معرفی نمود. حکمتیار برگزاری شورای حل و عقد را اعلام جنگ علیه حزب خود و متحدینش اعلام کرد. اما ژنرال دوستم از انتخاب ربانی به ریاست جمهوری افغانستان استقبال نمود و از وی پشتیبانی کرد. برهان الدین ربانی پس از ابقا در پست ریاست جمهوری و به هنگام ادای سوگند از رهبری گروه خود جماعت اسلامی-کنار رفت و اعلام کرد نماینده تمام اقوام و مذاهب کشور است و از مخالفان خود خواست از لجابت دست بردارند و تسلیم اراده ملت شوند. با این همه بنظر نمی‌رسد که اجلاس شورای حل و عقد نتایج آن بتواند آرامش را به افغانستان بازگرداند. به محض اعلام خبر انتخاب ربانی به ریاست جمهوری، کابل مورد اصابت راکت قرار گرفت و هلیرغم آرایش چند روزه، اواخر هفته گذشته موشک باران کابل از سوی نیروهای وابسته به حکمتیار دوباره آغاز شد.

اجلاس وسیع نمایندگان گروه‌های عمده مجاهدین افغانی در کابل موسوم به "شورای حل و عقد" روز چهارشنبه ۳۰ دسامبر (۶ دی) برهان الدین ربانی، رئیس‌جمهور موقت افغانستان را برای دو سال دیگر در این پست ابقا نمود. از میان نمایندگان حاضر در اجلاس ۹۱۶ نفر به ابقای ربانی رای مثبت، ۵۹ نفر رای مخالف و ۳۶۰ نفر رای ممتنع دادند. اجلاس همچنین در مورد برپایی یک مجلس، ایجاد ارتش منظم و اسلامی کردن هر چه بیشتر دولت و رادیو تلویزیون تصمیماتی اتخاذ کرد. به گزارش رادیو کابل در مجلس رسمی افغانستان ۲۰ درصد نمایندگان "شورای حل و عقد" حضور خواهند داشت. بخش عمده ارتش منظم افغانستان را نیز نیروهای مجاهدین تشکیل خواهند داد. بنا به تصویب "شورای حل و عقد" همه اعضای دولت باید مسلمان باشند و رادیو-تلویزیون نیز باید بر اساس احکام شریعت عمل کند و فعالیت همه احزاب فیر اسلامی نیز ممنوع خواهد بود. از ۹ گروه عمده افغانی ۴ گروه در اجلاس شورای حل و عقد شرکت نداشتند که شامل گروه تحت رهبری صفت‌الله مجددی، حزب اسلامی حکمتیار، حزب وحدت اسلامی (گروه شیعه) و ژنرال عبدالرشید دوستم فرمانده شبه نظامیان ازبک، بود.

به روی تظاهر کنندگان آتش گشوده اند. طبق گزارشات، توه قضائی عده ای از قضات دادگاههای انقلابی تهران رابه شهرهای مذکور فرستاده و از رئیس قوه قضائیه - آیت الله محمد یزدی نقل شده است که گفته اند: "... با قاطعیت و تندی با شورشیان برخورد خواهد شد. " بر اساس اطلاعاتی که در اختیار من است روزنامه اطلاعات از ژوئن ۱۹۹۲ گزارش داده است که مجازات مرگ در مورد محرکین این حوادث و آشوبگران مسلح اعمال خواهد شد.

"... من ممنون خواهم بود اگر بتوانید مرا در چارچوب همکاریهای خود، در مورد حوادث گزارش شده، نحوه عمل نیروهای امنیتی، اتهامات وارد بر دستگیر شدگان، محلی که زندانی شده اند و کلیه اطلاعات ذیربط در مورد دادرسیها بعلاوه هرگونه مجازات اعدامی که احتمالا صورت گرفته، مطلع گردانید. در این ارتباط مایلم توصیه هائی را که در گزارش هم به چهارم و هفتمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر و نکاتی را که در آخرین گزارش هم به کمیسیون فرمولبندی کرده ام، بلاخص در ارتباط با بازگویی مجازات اعدام، قواعد مراخل رسیدگی حقوقی و اطلاعات قانونی و اجرائی پیشنهادی به وزارت دادگستری را یادآوری کنم.

"... همچنین سپاسگزارم اگر بتوانید درخواست من مبنی بر اینکه تضمین بشود که دستگیر شدگان از کلیه مزایای آئین دادرسی و حراست مورد تأیید بین المللی، بلاخص حقوقی که در معاهده بین المللی حقوق مدنی - سیاسی تضمین شده، از جمله حق برخورداری از مقررات مراحل رسیدگی حقوقی شامل اعلام اتهامات بمحض دستگیری، دادگاههای علنی، دسترسی کامل به وکلای منتخب خود و حق استیناف بهره مند شوند. مضافا اینکه از آزار و شکنجه در طی مرحله بازجویی متممین و در دوره زندانی ماندن بعمل آید رابه دولت متبوع خود اطلاع دهید.

۸- در تاریخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۹۲، نماینده ویژه نامه ذیل را به دفتر نمایندگی دائم ج - ۱ سازمان ملل در ژنو ارائه نمود.

"... محترما با ارجاع به قرار ۶۷/۱۹۹۲ کمیسیون حقوق بشر حکم اینجانب بعنوان نماینده ویژه مبتنی بر قرار ۵۴/۱۹۸۴ کمیسیون برای مدت یکسال دیگر تمدید شده است. همانطور که اطلاع دارید، در تاریخ ۲۵ ژوئیه ۱۹۹۲، شورای اقتصادی اجتماعی قرار ۶۷/۱۹۹۲ کمیسیون را، که نسخه آن ضمیمه است، تأیید نمود.

"... با پذیرش نمایندگی ویژه کمیسیون برای مدت یکسال دیگر مایلم تأکید کنم که در نظر دارم وظیفه خود را حتی الامکان با بی طرفی و واقع بینی ادامه دهم. با داشتن چنین قصدی برایم بسیار مهم خواهد بود که به ارتباط مستقیم دو سال گذشته با مسئولین کشور، با آتمانی که در درجه اول با امر ترویج و حمایت از حقوق بشر ذیربطند ادامه دهم و به جمع آوری اطلاعات مورد نیاز برای گزارشی که موظف به تدارک آن هستم، بپردازم. بنابر این مجددا مایلم برای حداکثر مدت ۱۰ روز در هر تاریخ که برای دولت شما مناسب باشد در حد فاصل ۱۰ اکتبر تا ۱۰ نوامبر ۱۹۹۲ از کشور شما دیدار داشته باشم.

"... بسیار سپاسگزار خواهم بود اگر بتوانید درخواست مرا به دولت خود ارجاع نمائید و در اسرع وقت، آنچنانکه امکان برنامه ریزی لازم برای گزارش دهی به مجمع عمومی و کمیسیون حقوق بشر برایم فراهم باشد، پاسخ دولت متبوع خود را از طریق مرکز حقوق بشر به اطلاع من برسانید.

۹- در تاریخ ۷ سپتامبر نماینده ویژه در حین اقامت خود در ژنو در فاصله ۴-۹ سپتامبر تله فاکس ذیل رابه دفتر نمایندگی دائم ج - ۱ سازمان ملل در ژنو ارسال نمود.

"... همانطور که تلفنی مطلع گردیده اید من از تاریخ ۴ سپتامبر در ژنو اقامت داشته و تا ۹ سپتامبر ۱۹۹۲ در اینجا خواهم بود. " ... من در اختیار شما خواهم بود تا در صورت تمایل در مورد مواردی که مربوط به گزارش بعدی من به مجمع عمومی و یا همانگونه که در نامه ام به تاریخ ۲۴ ژوئیه مطرح شده، در مورد دیدار درخواستی من از کشورتان در آینده نزدیک به بحث بنشینم.

۱۰- در تاریخ ۷ سپتامبر نامه ذیل به وزارت امور خارجه ج - ۱ فاکس گردید.

نماید و از نماینده ویژه درخواست نمود تا گزارش میانی غیر نهائی خود را به اجلاس چهل و هفتم مجمع عمومی در مورد وضعیت حقوق بشر در ج - ۱ و گزارش نهائی رابه اجلاس چهل و نهم کمیسیون ارائه دهد. بنابر تصمیم ۲۳۹/۱۹۹۲ - ۲۵ جولای ۱۹۹۲ شورای اقتصادی - اجتماعی این قرار تصویب شد.

۲- نماینده ویژه گزارش غیر نهائی خود را در مورد وضعیت حقوق بشر در ج - ۱ مطابق با پاراگراف ۱۳ قرار ۶۷/۱۹۹۲ کمیسیون حقوق بشر و تصمیم ۲۳۹/۱۹۹۲ شورای اقتصادی و اجتماعی ارائه میدهد. این گزارش به وضعیت حقوق بشر در ج - ۱ در ماههای منقضی سال ۱۹۹۲ اشاره دارد و بدیمی است که باید با توجه به گزارشهای ارائه شده توسط نماینده ویژه از سال ۱۹۸۶ تاکنون مدنظر قرار گیرد.

۳- همچون سالهای گذشته، گزارش حاضر بر مکاتبات با مقامات دولتی و دعاوی سازمانها و شخصیتهای غیر دولتی دال بر نقض حقوق بشر متمرکز است. بعلاوه حد فاصل کوتاه بین دو گزارش، گزارش فعلی بصورت اولین بخش گزارش نهائی طرح و نگاشته شده است، لذا همچون یک سند باید در نظر گرفته شود.

۴- ساختار گزارش حاضر مشابه گزارشات قبل است و به ۵ بخش تقسیم شده است. ۱- مقدمه ۲- مکاتبات بین دولت ج - ۱ و نماینده ویژه ۳- اطلاعات دریافت شده توسط نماینده ویژه ۴- بررسیها ۵- ملاحظات و بعلاوه دو ضمیمه.

مکاتبات بین دولت جمهوری اسلامی ایران و نماینده ویژه

۵- از اجلاس چهل و هشتمین کمیسیون حقوق بشر تاکنون، نماینده ویژه چندین مورد مبنی بر نقض حقوق بشر، که به نظر وی محتاج به توجه فوری بوده است، رابه دولت ج - ۱ اطلاع داده است:

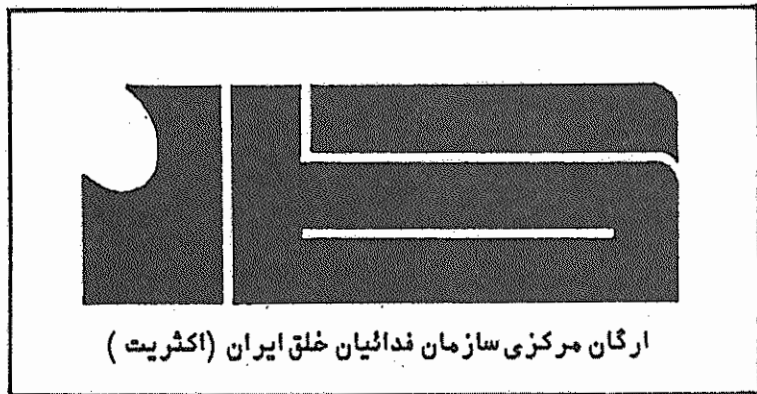
۶- در ۱۶ آوریل ۱۹۹۲، نماینده ویژه نامه ذیل را به دفتر نمایندگی دائمی ج - ۱ سازمان ملل در ژنو ارسال نمود.

"... بنابر اطلاعاتی که در اختیار من است آقای بهمن سمندری از بهائیان مقیم تهران در تاریخ ۱۷ مارس ۱۹۹۲ دستگیر میشود. بنابر گزارشها درخواست دیدار ایشان با خانواده اش به بانه تعطیلات سال نو ایرانی (در ایران) رد گردید. در پایان دوره تعطیلات، در ۵ آوریل ۱۹۹۲، وقتیکه همسرشان تقاضای خود را برای دیدار وی تکرار نمود، وصیت نامه همسرش به تاریخ ۱۸ مارس را تحویلش داده اند، ضمن اشاره مبهمی که همسرش اعدام شده و اعدامش در ارتباط با اتهامات وی در دوره حبسش در سال ۱۹۸۷ مبنی بر اینکه به مذهب بهائی تعلق دارد، بوده است. از قرار هیچگونه گواهی مرگ بودی داده نشده، هیچگونه اطلاعات رسمی در مورد اتهامات یا حکم وی ارائه نشده و تقاضا برای دریافت جازه همسرش برای دفن از سوی مقامات رد شده است.

"... با توجه به اطمینان مکرری که از سوی دولت شما دریافت کرده ام مبنی بر اینکه تمام بهائیان از همان حقوقی که سایر اهالی در ج - ۱ دارا هستند برخوردار میباشند و هیچ بهائی بخاطر مذهبش اعدام نشده است، بسیار متشکر خواهم بود اگر گزارشات مذکور مورد بررسی قرار گیرد و گزارش کامل این قضیه برای من تهیه شود. مجددا متشکر خواهم بود اگر شما لطف کرده نزد مسئولین امر شفاعت نمائید تا خانواده های بهمن سمندری امکان دسترسی به اطلاعات در خواستیشان در مورد سرنوشت و مآثرک وی فراهم شود.

۷- در تاریخ ۱۵ ژوئن ۱۹۹۲، نماینده ویژه نامه ذیل را به دفتر نمایندگی دائمی ج - ۱ سازمان ملل در ژنو ارسال نمود.

"... مایلم خاطر نشان کنم که گزارش هائی در مورد دستگیریهای صدها نفر بدنبال تظاهرات سیاسی و ناآرامیهای اخیر در مشهد، اراک، چهارمحال، همدان، خرم آباد، شیراز، شوشتر و تهران دریافت کرده ام. " بر اساس اطلاعات دریافت شده، ناآرامیها در اواسط آوریل در شیراز آغاز شد و با تظاهرات در پایان ماه مه در اراک ادامه یافت. در آخرین رویدادهای مشهد، در تاریخ ۳۰ مه ۱۹۹۲، گویا عده ای از سپاه پاسداران و از سایر نیروهای امنیتی شدت عمل بیش از حد نشان داده و با چشم بسته



متن پیش نویس گزارش نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد درباره نقض حقوق بشر در ایران

استبداد را همان گونه که هست افشای کنند. ما تمام هم میهنان را فرامی خوانیم تا هر آنچه در باره موارد نقض حقوق بشر می بینند و یا می شنوند، به هر وسیله که می توانند، به کمیسیون حقوق بشر، به شخص آقای گالیندو پول اطلاع دهند. شما می توانید خبرها و اطلاعات خود را به آدرس نشریه کار نیز بپست و یا آن را برای ما فاکس کنید تا متن اصلی و ترجمه آن مستقیما در اختیار نماینده ویژه قرار گیرد.

شماره فاکس نشریه کار چنین است: 3318290 / 0049221/ آدرس نشریه کار چنین است: RUZBEH POSTFACH 1810 5100 AACHEN GERMANY شما هم چنین می توانید نامه ها و اسناد خود را مستقیما به آدرس کمیسیون حقوق بشر در ژنو بپست کنید. و چنانچه مایل به انعکاس آن در نشریه و یا پیگیری برای انعکاس آن در گزارش نماینده ویژه باشید با نشریه کار تماس بگیرید و ما را از جزئیات مطلع کنید.

آدرس کمیسیون حقوق بشر چنین است: HUMAN RIGHTS COMMISSION 8-14 AVE DE PAIX 1211 GENEVE 10 اطلاعات شما می تواند اساسی باز داشت شدگان و شیوه رفتار با آنها، نام و مشخصات و وضعیت اعدام شدگان و یا معذورین، اخراج شدگان، مصادرته اموال افراد بازداشتی و دیگر آسیب دیدگان به دلایل عقیدتی و سیاسی را شامل شود. این اطلاعات هم چنین میتواند شواهد نقض حقوق زنان، اقلیت های ملی یا دینی، فرمانها و دستورهای سرکوبگرانه و یا هر مورد دیگر نقض حقوق بشر را، دربرگیرد.

امید اینکه امسال را دست در دست یکدیگر، به سالی پر بارتر در پیکار عادلانه به خاطر حقوق بشر در ایران مبدل سازیم.

هیئت تحریریه نشریه کار

خواننده عزیز! سند حاضر ترجمه گزارش (ITERIUM) آقای پروفیسور رینالدو گالیندو پول (تبعه السالوادور) نماینده ویژه دبیر کل سازمان ملل متحد است، به کمیسیون حقوق بشر این سازمان، در زمینه وضعیت حقوق بشر در ایران. گزارش برای دوره یک ساله منتهی به نوامبر ۹۲ تهیه شده، اما در جایی که ضرور بوده رویدادهای قبل تر نیز مورد اشاره قرار گرفته اند. قرار است متن گزارش نهایی به اجلاس جاری مجمع عمومی ارائه شود. سند از انگلیسی ترجمه شده است و متن اصلی به انگلیسی و اسپانیولی بوده است.

چند بند از گزارش، به دلیل تکراری بودن مضامین، حذف شده است. یک هدف نشریه کار از انتشار متن کامل گزارش به فارسی آن است که ایرانیان هر چه بیشتری بدانند در میهنشان و با میهنشان چه می کنند. جمهوری اسلامی هم دعاوی این گزارش را، از جمله دعوی فقدان آزادی بیان را، "فرض الود" خوانده و آن را "تکذیب و محکوم" کرده است و هم در آن واحد از انتشار سند در ایران جلوگیری کرده است. اما استبداد حاکم بیهوده تلاش دارد مردم از حقایق چیزی ندانند و کمتر سوال و اعتراض کنند.

حقایق مندرج در این گزارش و نفس انتشار این گزارش بار دیگر به خوبی نشان می دهد که وضع به هیچ وجه آن طور نیست که مردم نسبت به نجایبی که در میهن ما می گذرد اعتراض نکنند. آقای گالیندو پول پیشاپیش از هیچ یک از حقایقی که نقل کرده است، مطلع نبوده است. مردم ایران، آزادیخواهان ما، او را مطلع کرده اند و او نیز جهانیان را.

و چنین است موثرترین راه بسیج مهمی دنیا علیه ستم استبدادی که رژیم ولایت فقیه بر ملت ما تحمیل می کند.

و اما هدف مهمتر ما از انتشار این گزارش، تجلیل از مبارزه ای است که مردم ایران، علیه موارد نقض حقوق بشر، از طریق اطلاع رسانی به نماینده ویژه، پیش می برند. این تجلیل بویژه متوجه کسانی است از زمره آقای عباس امیرانتظام در گزارش امسال و آقای کیانوری در گزارش پار سال، که در حالیکه خود زیر تیغ انتقام جویی قرار دارند، باز هم نجایع همال

مجمع عمومی سازمان ملل متحد مسئله حقوق بشر: وضعیت حقوق بشر و گزارش نمایندگان و گزارشگران ویژه

وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران

تذکاری توسط دبیر کل

محترما گزارش غیر نهائی نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر ویژه حقوق بشر و ویژه وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران، پروفیسور رینالدو گالیندو پول (تبعه السالوادور)، مطابق با پاراگراف ۱۳ قرار ۶۷/۱۹۹۲ کمیسیون حقوق بشر ۴ مارس ۱۹۹۲ و تصمیم ۲۳۹/۱۹۹۲ بیست ژوئیه ۱۹۹۲ شورای اقتصادی اجتماعی را به اعضای مجمع عمومی تقدیم میدارم.

۱۳ نوامبر ۱۹۹۲

مقدمه

۴۸مین اجلاس کمیسیون حقوق بشر بنابر قرار ۶۷/۱۹۹۲ تصمیم گرفت که حکم نماینده ویژه، مندرج در قرار ۵۴/۱۹۸۴ - ۱۴ مارس ۱۹۸۴ کمیسیون را برای مدت یکسال دیگر تمدید

سیاسی بازداشت و بنابه گزارشها در زندان اردبیل زندانی است.

۱۳- آقای یعقوب بهرامی، متولد ۱۴ اکتبر ۱۹۴۹، در ۱۷ ژوئن ۱۹۸۴ بازداشت و در ژوئیه ۱۹۸۴ محکوم به ۱۲ سال زندان به اتهام سیاسی شده است. بنابه گزارشها او در زندان قصر تهران زندانی است.

۱۴- آقای محمدرحیم بختیاری، ۴۱ ساله، متاهل با سه فرزند، به اتهامات سیاسی در زندان اوین تهران محبوس است. او در ۲۳ سپتامبر ۱۹۹۱ بازداشت گردیده است.

۱۵- آقای ناصر براری، بنابه گزارشها به اتهامات سیاسی بازداشت گردیده است. محل زندان وی نامعلوم است.

۱۶- آقای فرزاد براتی، گفته میشود که در زندان اوین به اتهامات سیاسی محبوس است.

۱۷- آقای ابراهیم پاشا یا پاشا، شعر و ندفنا، در زندان اوین تهران در بندی که زندانیان متعدد جنگی هراتی نگهداری میشوند، محبوس است.

۱۸- آقای محمد حسن بسجی، بنابه گزارشها در اوت ۱۹۸۸ بازداشت گردیده است. محل بازداشت و وضعیت او نامعلوم است.

۱۹- آقای احمد بستان، بنابه گزارشها به اتهامات سیاسی بازداشت و در زندان اوین محبوس است.

۲۰- خانم اکرم بیروموند، در زندان اوین در تهران به اتهام پیوستن به یک حزب ممنوعه و بیان آشکار و مسالمت جویانه باورهای سیاسی خود محبوس است.

۲۱- خانم اکرم برزویی، گفته میشود که در زندان اوین به اتهامات سیاسی محبوس است.

۲۲- آقای حاجی باقر برزویی، ۶۱ ساله، متولد رضائیه، در زندان اوین در تهران زندانی است. او در ژوئیه ۱۹۸۹ دستگیر شده است.

۲۳- آقای حسین دشتگرد، ۵۹ ساله، متاهل با ۵ فرزند، در زندان اوین در تهران به اتهام سیاسی محبوس گردیده است. او در ۲۹ سپتامبر ۱۹۹۱ دستگیر شده بود.

۲۴- آقای مهدی دیباج، سابقا مسلمان و اینک پیشوای روحانی مسیحیت و رهبر کلیسا، بنابه گزارشها بیش از ۶ سال در زندان بوده است.

۲۵- آقای ناهید دورودیاچی، بنابه گزارشها در زندان اوین محبوس بوده است. او به اتهامات سیاسی محکوم به ۱۲ سال زندان شده است.

۲۶- آقای جواد ابراهیمی، محکوم به ۱۳ سال حبس به اتهامات سیاسی، در زندان قزل حصار زندانی است. بنابه گزارشها او از عفونت پوست و چشم و مرض کلیه رنج می برد.

۲۷- آقای امیر انتظام، معاون نخست وزیر در اولین دولت موقت جمهوری اسلامی ایران که توسط نماینده ویژه در سپتامبر ۱۹۹۱ از او دیدار بعمل آمده، در بند ۴ واحد ۳۲۵ زندان اوین در تهران محبوس است. وی به اتهام جاسوسی برای یک کشور خارجی و اتهامات سیاسی پس از یک محاکمه که در آن وکیل مدافع حضور نداشت و طی آن بعضی از شاهدین مدافع او دستگیر شدند، محکوم گردیده است. بنابه گزارشها او ۴۰ درصد شنوایی خود را از دست داده است و از ناراحتی لگن خاصره، چشم و مرض پروستات، زخم معده و ناراحتی پوستی رنج می برد. او از مداوی پزشکی موثر و غذای کافی برخوردار نیست. بنابه گزارشها او اجازه ملاقات ندارد و ۵۵۰ روز در زندان مجرد گذرانده است.

۲۸- خانم فاطمه اشرفی، در زندان اوین در تهران، به اتهام پیوستن به یک حزب ممنوعه و بیان آشکار و مسالمت جویانه باورهای سیاسی خود محبوس است.

۲۹- خانم نیر خرکچی فرد، ۱۸ ساله، گفته میشود در زندان اوین در تهران محبوس است (پرونده شماره ۶۹-۵۹۰۷). بنابه گزارشها او به اتهامات سیاسی در سال ۱۹۹۱ به ۵ سال زندان محکوم شده که باید ۴ سال آن را در زندان انفرادی بسر برد.

۳۰- خانم رویا فرید، در زندان اوین در تهران به اتهام پیوستن به یک حزب ممنوعه و بیان آشکار و مسالمت جویانه باورهای سیاسی خود، محبوس است.

۳۱- آقای ناصر فرخ نیا، فرمانده سابق که بنابه گزارشها در جنگ عراق - ایران رفتار شجاعانه ای از خود بروز داده است. بنابه شواهد او در سال ۱۹۸۸ به اتهام همدستی با برادرش که گفته میشود متهم به جاسوسی برای یک کشور خارجی بوده، دستگیر شده است. گفته میشود که او در زندان دژبان در پادگان جمشیدآباد محبوس است.

۳۲- آقای وزیر فتعی، در زندان اوین زندانی است. گزارش شده است که یک شرط آزادی وی، تقبیح و سپس گرفتن باورهای سیاسی اش می باشد.

۳۳- خانم فیروزه فیاض، در زندان اوین در تهران به اتهام پیوستن به یک حزب ممنوعه و بیان آشکار و مسالمت جویانه باورهای سیاسی خود، محبوس است.

۳۴- خانم زهرافلاحی، بنابه گزارشها محکوم به ۳۸ سال زندان گردیده است. محل زندانی و شرایط جای وی نامعلوم است.

۳۵- آقای نواب هلی قائم مقامی، به اتهامات سیاسی در زندان قم محبوس است. وضعیت جاری او نامعلوم است.

۳۶- خانم زینب قنوتی، در زندان اوین در تهران به اتهام پیوستن به یک حزب ممنوعه و بیان آشکار و مسالمت جویانه باورهای سیاسی خود، محبوس است.

۳۷- خانم نرگس قنبری، ۳۴ ساله، معلم مدرسه که گفته میشود در زندان مسجد سلیمان محبوس است. بنابه گزارشها در ۱۹۸۱ بازداشت و بدلیل شرکت در تظاهرات سیاسی به زندان ابد محکوم گشته است.

۳۸- آقای جعفر پور، بنابه گزارشها به اتهامات سیاسی بازداشت و در زندان اوین تهران زندانی است.

۳۹- آقای کی نوش حکیمی، فرمانده سابق ناوگان ایران، به اتهام جاسوسی برای یک کشور خارجی محکوم گردیده است. محل زندان و وضعیت جاری او نامعلوم است.

۴۰- آقای کوروش جلیلی، به اتهامات سیاسی در زندان اوین محبوس است. وی در سال ۱۹۹۰ بازداشت گردیده است.

۴۱- آقای فرهاد جاویان، ۲۵ ساله، متاهل، در زندان اوین در تهران به اتهامات سیاسی محبوس است. وی در ۳۰ سپتامبر ۱۹۹۱ بازداشت گردیده است.

۴۲- آقای امیر هوشنگ کرمانی، معلم در شهر جیرفت استان کرمان، در فوریه ۱۹۸۴ بازداشت و به ۳۰ سال زندان محکوم گردیده است. گزارش شده است که از ۱۹۸۸ او حق ملاقات نداشته است. وی در زندان گارد کرمان محبوس است.

۴۳- خانم مهناز کمروز خدایار، در زندان اوین در تهران به اتهام پیوستن به یک حزب ممنوعه و بیان آشکار و مسالمت جویانه باورهای سیاسی خود، محبوس است.

۴۴- آقای خالد علی کریمی، به اتهامات سیاسی بازداشت گردیده است. وضعیت جاری و محل زندان وی نامعلوم است.

۴۵- خانم ناهید خداجو، در زندان اوین در تهران به اتهام پیوستن به یک حزب ممنوعه و بیان آشکار و مسالمت جویانه باورهای سیاسی خود، محبوس است.

۴۶- آقای نیر خروشان، برادران، بنابه گزارشها به اتهامات سیاسی بازداشت و در زندان اوین تهران محبوس است.

۴۷- آقای احمد خسروی، به اتهامات سیاسی بازداشت گردیده و وضعیت جاری و محل زندان وی نامعلوم است.

۴۸- آقای محمود متحدین، گفته میشود که بیش از ۱۲ سال است که در زندان اوین بخاطر شرکت در سازمان باصلاح فرکان محبوس است.

۴۹- آقای منصور موسوی، کارمند سابق وزارت راه ایران، در زندان زنجان به اتهامات سیاسی محبوس است. وی در ۹ اکتبر ۱۹۹۱ بازداشت گردیده است.

۵۰- آقای داود مظفر، بنابه گزارشها به اتهامات سیاسی بازداشت و در زندان اوین تهران محبوس است.

۵۱- آقای حسین نفتیان، در سال ۱۹۸۷ بازداشت و به اتهامات سیاسی به ۵ سال زندان محکوم گردیده است. بنابه گزارشها وی در زندان اوین در تهران محبوس است.

۵۲- آقای نوزن نقی زاده، بنابه گزارشها به اتهامات سیاسی بازداشت و در زندان اوین در تهران محبوس است.

۵۳- آقای فریدون نجفی، ۳۲ ساله، بنابه گزارشها به اتهامات سیاسی در زندان گوهر دشت محبوس است.

۵۴- آقای همایون نجفی، ۳۵ ساله، در سال ۱۹۸۹ بازداشت و بنابه گزارشها به اتهامات سیاسی در زندان گوهر دشت محبوس است.

۵۵- آقای جلیل ناظمی، متولد در سال ۱۹۶۴، در ۱۷ ژانویه ۱۹۸۴ به اتهامات سیاسی بازداشت گردیده است. محل زندان و وضعیت جاری وی نامعلوم است.

۵۶- آقای ابراهیم بناهت، گفته میشود به اتهامات سیاسی در زندان تبریز محبوس است.

۵۷- خانم نسرين نردینیان، در زندان اوین به اتهام پیوستن به یک حزب ممنوعه و بیان آشکار و مسالمت جویانه باورهای سیاسی خود، محبوس است.

۵۸- آقای حسین نوپور، در زندان اوین در تهران محبوس است. او به اتهامات سیاسی محکوم و آزادی وی برای ژوئیه سال ۱۹۹۱ طرح ریزی شده بود. وی هنوز در زندان نگهداشته میشود و گفته میشود که یک شرط آزادی وی تقبیح فعالیت های سیاسی گذشته اش در ملامت است.

۵۹- آقای رضا پاخش، تکنسین سابق بیمارستان چشموندله در تهران، در زندان زنجان محبوس است. وی در ۱۹ اکتبر ۱۹۹۱ بازداشت گردیده است.

۶۰- آقای هارف پاک، متولد رضائیه، ۵۱ ساله، به اتهامات سیاسی در زندان اوین در تهران محبوس است. وی در نوامبر سال ۱۹۸۹ بازداشت گردیده

است.

۶۱- آقای روح الله پرتیلی، ۵۷ ساله، متاهل، دارای ۵ فرزند، به اتهامات سیاسی در زندان اوین محبوس است. وی در ۳۰ سپتامبر ۱۹۹۱ بازداشت گردیده است.

۶۲- آقای حسین پروازه، اهل نی، فریدن، گفته میشود که به اتهامات سیاسی در زندان اوین محبوس است.

۶۳- آقای مجاهد خیر الله رحیمی، متولد ۱۹۶۴ در اردبیل. دستگیری در ۱۹۸۲ با اتهام سیاسی و محکوم به ۱۵ سال حبس. بنابه گزارشها در زندان اوین در زندان اوین محبوس است.

۶۴- آقای محمد طاقی رحیم پور بعلت ندادن اطلاعات در باره محل همسرش (خانم زهرانوری)، او ستوان دوم ارتش ایران بود. وضعیت فعلی و محل بازداشت او مشخص نیست.

۶۵- آقای مهرداد رزائی، گفته میشود در زندان اوین در تهران با اتهام سیاسی در بازداشت است.

۶۶- آقای محمد امین الرعایا، بنابه گزارشها با اتهام سیاسی و دستگیر و در زندان اوین در تهران در بازداشت است.

۶۷- آقای علیرضا صادقی، ۲۸ ساله، در سال ۱۹۸۸ به اتهام سیاسی دستگیر و بنابه گزارشها در زندان اردبیل در بازداشت است.

۶۸- آقای عادل سعیدی گفته میشود در زندان ارومیه به اتهام سیاسی در بازداشت بسر می برد. او در سال ۱۹۸۱ دستگیر شده است.

۶۹- آقای مصطفی صالح یار، متولد دسامبر ۱۹۶۷، دستگیری در ۱۹۸۷ و محکوم به ۶ سال حبس به اتهام سیاسی، او در زندان اوین در تهران بازداشت است.

۷۰- خانم شمعین سمبعی در زندان اوین در تهران به اتهام داشتن ارتباط با یک حزب چپ ممنوعه و به اتهام بیان مسالمت آمیز اعتقاداتش در بازداشت است.

۷۱- آقای محمد سخاوتمند، ۴۱ ساله، متولد تبریز به اتهام سیاسی در زندان اوین در تهران بازداشت است. او در اکتبر ۱۹۸۹ دستگیر شده است.

۷۲- خانم مریم بانو سپهری رهنما در سال ۱۹۸۳ دستگیر، محاکمه و به حبس ابد محکوم شد. بنابه گزارشها او در زندان اوین در تهران به اتهام تماس با یک حزب چپ ممنوعه و به اتهام بیان مسالمت آمیز اعتقاداتش در بازداشت است.

۷۳- آقای توفیق ستایشی، متولد تبریز در سال ۱۹۵۷ و دانشجوی سابق دانشگاه شریف در تهران، بنابه گزارشها در سال ۱۹۸۲ به اتهام سیاسی دستگیر و در زندان اوین در تهران بازداشت است.

۷۴- آقای منصور شامری، ۳۳ ساله، بازداشت در زندان اوین تهران به اتهام سیاسی، او در سال ۱۹۸۸ دستگیر شده و بنابه گزارشها بسیار مریض است.

۷۵- آقای حسن شتابی، ناخدای سابق، طبق گزارشها در سال ۱۹۸۸ دستگیر شده و گفته میشود در زندان اوین در تهران به اتهام سیاسی در بازداشت است.

۷۶- آقای مهدی خوش سلوک، رئیس کمیته نوافرم به اتهام سیاسی دستگیر شده است. وضعیت فعلی و محل بازداشت او نامعلوم است.

۷۷- خانم فرخنده سلیمانی در زندان اوین تهران به اتهام ارتباط با حزب چپ ممنوعه و بیان مسالمت آمیز اعتقاداتش در بازداشت بسر می برد.

۷۸- آقای منصور طاهری، ۳۸ ساله، بنابه گزارشها در سال ۱۹۸۶ به اتهام سیاسی دستگیر شده و در زندان جزین نزدیک تهران بازداشت است.

۷۹- خانم اشرف تاهان در زندان اوین در تهران به اتهام ارتباط با حزب چپ ممنوعه و بیان مسالمت آمیز اعتقاداتش در بازداشت بسر می برد.

۸۰- آقای جمشید ترابی، ۳۹ ساله، دانشجوی سابق دانشگاه تهران، بنابه گزارشها در سلول بلوک ۶ آموزشگاه زندان اوین در تهران در بازداشت است او در سال ۱۹۸۲ به اتهام سیاسی دستگیر شده و طی محاکمه کوتاهی که گفته میشود بدون حضور وکیل مدافع و بدون اجازه فراخواندن شهود در دفاع از خود به ۱۵ سال حبس محکوم شد.

۸۱- آقای حیدر یوسف گفته میشود در زندان اوین در تهران به اتهام سیاسی در بازداشت است.

۸۲- آقای عباس زابلی گفته میشود در زندان اوین به اتهام سیاسی در بازداشت است.

۸۳- آقای همر احمدزاده گفته میشود در زندان اوین در تهران به اتهام سیاسی در بازداشت است. او در سال ۱۹۹۰ دستگیر شده است.

۸۴- آقای زمانی طبق گزارشها به اتهام سیاسی دستگیر و در زندان اوین در تهران در بازداشت است.

۸۵- آقای فرید محمود محمد زمانی در زندان اوین در تهران به اتهام سیاسی در بازداشت است.

۸۶- آقای علی ضیائی ما گفته میشود به اتهام سیاسی در زندان اوین در تهران در بازداشت است.

۸۷- آقای حسن ذوالفقاری طبق گزارشها از طریق گروه اپوزیسیون عراقی به نام اتحادیهایی

کردستان (پ. یوک)، در آوریل ۱۹۹۱، در قصر شیرین، شهری نزدیک مرز عراق، به حکومت ایران تحویل داده شده است. محل بازداشت او نامعلوم است. مشخص نیست آیا آقای ذوالفقاری به چیزی متهم، و محاکمه و محکوم شده است یا نه.

ضمیمه ۲

نامه آقای امیر انتظام معاون نخست وزیر سابق و سخنگوی اولین دولت موقت جمهوری اسلامی ایران، به نماینده ویژه کمیسیون

ضمن رجوع به شواهد زیر، من بدینوسیله رژیم جمهوری اسلامی ایران را به جرایم و خطاهائی که طی ۱۲ سال گذشته مرتکب شده است متهم کرده و ضمن جلب توجه آن ارگان بین المللی به موارد مذکور امیدوارم که از طریق بدست آوردن امکان تجدید محاکمه از مسلم ترین حقوق خود و دیگر هموطنانم دفاع کنم.

من نمونه های تحلف از حقوق مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر را نقل و در مورد هر یک توضیح میدهم.

دولت ایران متعهد است که به معاهده بین المللی در مورد حقوق مدنی و سیاسی که ۱۶ دسامبر سال ۱۹۶۶ توسط مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسیده و فادار باشد، این معاهده در ۱۴ دسامبر ۱۹۷۲ (۲۳ آذر ۱۳۵۱) به رای پارلمان ایران گذاشته شده و به تصویب رسیده است.

در طی این دوازده سال و در طی ماههائی که در زندان گذراندم، من شاهد تعدیات بسیار به حقوق مذکور بوده ام. من شاهد شکنجه صدها نفر بوده ام و خودم هم متحمل چنین رفتاری شده ام، از جمله:

- مصدوم شدن با ضربات

- حبس انفرادی برای ۵۵ روز بدون وقفه

- حرمان از ملاقات و صحبت: تا امروز بودن ۲/۵ سال در سلول ۱/۵x۲/۶۵ همراه با ۲۷ نفر دیگر پشت درهای بسته، داشتن سه نوبت اجازه استفاده از توالت در ۲۴ ساعت (برای ۲۷ نفر فقط سه دوش)

- سه ساعت خواب (در ازکش) در ۲۴ ساعت

- فقدان بهداشت، تحریک پوست (بعلت نشستن برای دو سال)

- بیماری لگن خاصره

- رشد بیماریهای چشم و پرستات و زائوی چپ

- درد زخم معده و دیگر بیماریها بدون غذای کافی و معالجه تاکون

- بستری شدن بعد از ۶ سال انتظار تحت مراقبت ۶ نفر محافظ که دو تن از آنها در اتاق جراحی همراه من بودند.

- زدن موهای من با تیجی پشم گوسفند زنی در حضور صدها نفر و مسخره کردن من

- قطع رابطه من با همسر و فرزند نامرئوز

- دو بار بردن من نیمه شب برای اهدام و نگهداری من برای ۷۲ ساعت و صدها مورد دیگر

- کسی ممکن است فکر کند که این رفتارها دیگر امروز وجود ندارند. مثال های زیر حاکی از تداوم آنهاست

- در پاییز (آذرماه) ۱۹۹۱، ۲۴ ساعت بعد از ورود آقای گالیندوپول به ایران، در ساعت ۹ شب در هنگام ریزش باران و هوای سرد مجبور به تعویض یک بخش زندان شدم. ما را از بخش ۳ به بخش ۴ طبقه بالای واحد ۳۲ (که "بخش خارجی ها" نامیده می شد) انتقال دادند. برای انتقال از کامیونهای سرباز استفاده شد و در نتیجه آن گوش من سرما خورد. برای ۴۰ روز دسترسی به متخصص گوش محروم ماندم و عاقبت عفونت پرده گوشم از بین برد.

بعد از دو ماه تحمل درد و عفونت در هر دو گوش یک متخصص گوش به زندان فرا خوانده شد که فقط اعتراف کند که من ۴۰ درصد شنوایی خود را از دست داده ام.

در زمستان سرد ۱۹۹۲ ما از گرما و آب گرم در زندان محروم شدیم آنطور که آنها دعا می کردند به دلیل نقص در دستگاه حرارت مرکزی امکان تامین بیشتر از چند ساعت آب گرم وجود نداشته است.

در چه حرارت در سلولهای مادر چه حرارت بین ۵ تا ۱۲ درجه سانتیگراد است.

انفرادیگری که زیر شکنجه اند:

- شکستن دندان و پاره کردن پرده گوش ناجی رحمانی، تنبیه با شلاق علی خیانی ها، شکنجه و اهدام صادق عزیز، هوشنگ شاهین، علیرضا آشتیانی، حیدر مهرگان و اردشیر یگانه، اتصال جریان برق به پشت، آویزان کردن از پا یا دست، ایستاده نگاه داشتن فرد برای هشت روز.

گرسنگی دادن به زندانیان: یک عدد نان و یک بشقاب برنج برای ۱۰ زندانی در ۲۴ ساعت.

- نوع دیگر شکنجه که بکار گرفته شد: نگهداری زندانی در یک تابوت کوچک (۵۰x۸۰x۱۴۰ سانتیمتر) برای چند ماه است. در سال ۱۹۸۴ (۱۳۶۳)، سی زندانی در این تابوتها نگهداری شدند، آنها دیوانه شدند.

اینها نمونه های از شکنجه در رژیم ایران هستند.

امضا: امیر انتظام

۱۹۹۲